

سیاست وزارت خارجه ایران در باره افغانستان به نفع کیست؟



دوره هفتم، سال دوم، شماره ۲۶۵
دوشنبه ۲ تیر ۱۳۵۹ - شماره ۱۵ ریال

در اجلاس اخیر کنفرانس کشورهای اسلامی، که از ۲۴ اردیبهشت تا اول خرداد در اسلامآباد پایتخت پاکستان برگزار بود، کمیته سه جانبه ای برای حل بحران افغانستان تشکیل شد. در این کمیته وزیران امور خارجه ایران و پاکستان و حبیب شطی، دبیرکل کنفرانس اسلامی عضویت دارند. این کمیته دومین اجلاس خود را، روز سیام خرداد، در یکی از شهرهای سوئیس نزدیک به ژنو اجلاس خود را تشکیل داد. نمایندگان گروههای مختلف شورشیان افغانی نیز به این اجلاس دعوت شدند.

قبل از هر چیز باید گفت که اصولاً تشکیل چنین کمیته ای برای «حل بحران» افغانستان با هیچک از موازین حقوق بین المللی و روابط دیپلماتیک میان کشورها مطابقت ندارد و برعکس ناقض این موازین و بمنزله مداخله سریع و گستاخانه در امور داخلی یک کشور مستقل و دارای بقیه در صفحه ۲

ضد انقلاب آماده تهاجم است

فعالیت های وسیع ضد انقلاب موجب نگرانی سازمانها و نیروهای مترقی و هوادار انقلاب است

باید شبکه های ضد انقلاب را در هر کجا که هستند، شناسائی کرد و فعالین آن را به محاکمه کشاند

در هفته های گذشته، یک شبکه فعال ضد انقلاب تحت عنوان «شبکه براندازی» در ارتش کشف شد و برخی اعضای آن دستگیر گردیدند. در این رابطه حجت الاسلام محمدی شهری، مسئول کل دادستانی ارتش، طی مصاحبه ای، نکات بسیار مهم اساسی از محاکمه افراد دستگیر شده این «شبکه» را بیان داشت. این نکات اساسی و گهری عبارتند از:

۱ - درباره تعداد افراد فعال و رابطین آنها، حجت الاسلام محمدی شهری گفت:

(انتهمین اصلی این پرونده حدود ۶ الی ۷ نفرند) که در این رابطه حدوداً ۱۵۰ نفری متهم هستند.

(از مصاحبه حجت الاسلام محمدی شهری، جمهوری اسلامی،

۱ تیر ۵۹)

۲ - مورد مورد فعالیتها و ارتباطات این شبکه ضد انقلابی در ارتش: «اینها در رابطه با پالیزبان و گروههای بدهی و اویسی و ارتش آزادی بخش یاخارج در ارتباط هستند.» (همانجا)

۳ - در مورد ارتباط این عناصر با رژیم پهلوی عراق، از قول (دروغی) یکی از متهمین ردیف دو: «من با مصادم حسین در چند روز اخیر ملاقات حضوری داشتم و قول داده هرگونه کمک مادی و سلاح تجهیزات به ما بدهد و هر وقت ما بخواهیم در اختیار ما بگذارد.» (همانجا)

۴ - در مورد اقدامات گروههای ضد انقلابی، که تحت فرماندهی پالیزبان عمل می کنند:

(تعدادی از آموزش دیده ها تحت نظر پالیزبان با تعداد دیگری از گروهها برای سرکوبی رژیم خمینی آماده شده اند. « (از اظهارات «دروغی» - همانجا)

۱ - نخست دامنه شبکه: بنا بر اظهارات حجت الاسلام ری شهری و در راس این شبکه ۶ الی ۷ نفر قرار داشتند و در ارتباط آنها بیش از ۱۵۰ نفر به فعالیت های مخرب مشغول بوده اند. این اظهارات بیانگر دو واقعیت است:

اول آنکه ضد انقلاب سعی می کند با ایجاد گروههای کوچک در نقاط حساس، فعالیت های خود را آغاز کند.

دوم آنکه در ارتباط با چنین گروهی، عناصر فراوانی قرار گرفته اند. بدین ترتیب که این گروههای ۶ - ۷ نفری با ایجاد حلالی بدون خوردن سعی میکنند که بتوانند از طریق خودبازایی و از این طریق فعالیت های مخرب خود را گسترش دهند.

آنچه که حائز اهمیت است همانا وجود گروههای فراوان از نوع «شبکه براندازی» است، که کماتکون مشغول اقدامات مخرب خود هستند. با توجه به شواهدی که حاکی از ارتباط نمایی این گروهها با هم است و همچنین با وجود ارتباطی که بین بدنه های چنین «گروهها» وجود دارد، باید گفت که هم اکنون در ایران سازمانها و شبکه های وسیعی از ضد انقلاب مشغول اقدامات مخرب اند.

وجود چنین شبکه های که عملاً مدتی جز اقدامات خرابکارانه بقیه در صفحه ۲

طبقه کارگر

پایدارترین پاسدار دستاوردهای انقلاب

شهر هستند و با درون ساختمانی نیمه تمام و روی نیمکت پارکها شب را به صبح می رسانند و باید که به سرسام آوری، که به چهره متناسب با درآمد لایزال آن نیست، برای بکسی دو اطاق اجارهای فاند همه چیز بپردازند.

کارگران خراسان شرکت نمایندگان منتخب خود در تدوین قوانین کار و تامین اجتماعی هستند، که از سوی مسئولین ترتیب اثر داده نشود. اجرای مواد مربوط به تشکیل سندیکاها و شیوهای قانون اساسی جمهوری اسلامی را مطالبه میکنند، که از سوی مراجع مسئول و محافل معین تاکید بر نفی سندیکاها و تشکیل شوراهاست، آنهم نه شوراها که قانون اساسی پیش بینی کرده، بلکه شوراها که سرودست شکستهای که برواضع سیاسی این یا آن گروه معین شالوده ریزی شده و با خواست واقعی کارگران تبیین دارد.

کارگران خواهان پاکسازی کارخانه ها بویژه در سطح مدیریت است. از عناصر طاقتی، ساواکی و ضد انقلابی و افراد مانع و نترسان و تشنج آفرین هستند و در راس کارخانه ها و موسسات تولیدی تعدادشان اندک نیست که بان بر امتنانی میشود.

کارگران از انقلاب امید تامین حداقل رفاه و یک زندگی شایسته بقیه در صفحه ۲

بازگران بیکاری، گرانی، کمی درآمد، نداشتن مسکن مناسب، نبود بهداشت و آموزش و در یک کلام عدم دسترسی به یک زندگی متناسب با شئون انسان، بر روش توده های زحمتکش و بویژه طبقه کارگر، سنگینی می کند.

۱۶ ماه پس از انقلاب، با وجود انکارهای مکرر وزیر کار و امور اجتماعی، رقم بیکاری از چند میلیون نفر متجاوز است. روزنامه صبح آزادگان (اول تیر ۱۳۵۹) رقم بیکاران را سه میلیون نفر ذکر کرده است. در شرایطی که تورم به قولی ۲۰ درصد و بقول دیگر ۵۰ درصد است، حداقل دستمزد کارگران امسال فقط ۱۲ درصد افزایش داشته، که تناسبی با هزینه زندگی ندارد.

کارگران مبارزه جدی دولت را با گرانی و گرانیفروشی و احتکار و انحصار مطالبه می کنند، اما طبرقم خواست آنان، قیمت با حساب سر به صورت دارد و احتکار و انحصار کاملاً محسوس است.

سبب شکایات از درون کارخانه ها و مراکز تولید به وزارت کار و سایر مراجع مسئول میرسد که کارگران خواهان دترچه های بیمه درمانی هستند، اما گوش شنوایی برای این خواست عادلانه و برحق وجود ندارد.

مشکل مسکن کارگران حل نشده و انبوهی از آنان با حاشیه نشین

اطلاعیه حزب دمکرات کردستان ایران - تشکیلات سقز:

تشکیلات سقز حزب دمکرات کردستان ایران از مواضع درست بخشی از کادر رهبری حزب دمکرات پشتیبانی میکند

و جنگ افروز تبدیل شده و در واقع اگر عملکرد نادرست حزب دموکرات کردستان ایران نبود و حزب ما به آنچه در برنامه های بود و به مردم اعلام نموده، عمل میکرد، وضع کنونی ایجاد نمیشد و چنین لطافت و صدمات عظیمی به مردم وارد نمی آمد. بروز افکار انحرافی و تسلط آن بر رهبری حزب که در نتیجه به رشد چنین افکار در ارگانهای پائین تر و از جمله در میان گروهی از اعضای تشکیلات سقز امکان داد، مهمترین عامل در پیش گرفتن این منی نادرست بود. برای روشن شدن مطالب به ذکر چند نمونه می پردازیم:

همه یمنان گرانی، مردم مبارز کردستان! تشکیلات حزب دموکرات کردستان ایران در سقز از طرفی اختیار دارد که طی ماههای گذشته توانسته است با تبلیغ هدفها و خط مشی حزب دموکرات کردستان ایران، پشتیبانی قلیع مردم منطقه را جلب نموده و محبوبیت حزب دموکرات کردستان ایران را روز بروز بیشتر در دلها بنشاند. از طرف دیگر، با تأسف فراوان شاهد این واقعت است که طبرقم نفوذ منوی که حزب ما در میان توده های خلق کرد از آن بهره ور است، در بسیاری از موارد با تعقیب سیاستهای نادرست عملاً به دنباله رو گروههای افشنانش طلب

اطلاعیه طرفداران کنگره چهارم حزب دمکرات کردستان ایران در بوکان

طرفداران مشی کنگره چهارم حزب دمکرات کردستان ایران در بوکان از مواضع درست بخشی از کادر رهبری حزب دمکرات کردستان ایران پشتیبانی میکنند

ن داده و صفوف خود را با پیروان صدیق حزب و برنامه واساسنامه مصوبه کنگره فشرده تر سازند.

مستحکام برابری و برادری خلقهای کشورمان در جهت دفاع از انقلاب مردمی ایران علیه امریالیسم و ارتجاع! پیش بسوی وحدت نیروهای راستین انقلاب ایران! پیش بسوی حل مسالمت آمیز مسئله کردستان و تامین خواسته های برحق خلق کرد!

طرفداران کنگره چهارم - تشکیلات بوکان ۵۹۲۲۱۶

مردم مبارز کردستان! ما بخشی از اعضای تشکیلات حزب دموکرات کردستان ایران - دفتر بوکان، پشتیبانی خود را از گروه هفت نفری کمیته مرکزی حزب دموکرات کردستان ایران، برنامه واساسنامه مصوبه کنگره چهارم اعلام میداریم و از تمام اعضا و هواداران صدیق حزب که خواهان اجرای صحیح برنامه و اساسنامه کنگره چهارم میباشند، میخواستیم به تممت و افتخارهایی که از طرف اشخاص معلوم الحال و وابستگان رژیم فاشیستی بعث عراق و نوکران سرسپرده آمریکا و عوامل بختیار خان وانسرن باصطلاح انقلابی و دموکرات وابسته به اویسی و پالیزبان و بختیار و شاهکوش

اجرای فوری اصل قانون اساسی در مورد ملی کردن بازرگانی خارجی و ایجاد بخش دولتی در توزیع فرآورده های مورد مصرف همگانی، بگانه راه برای کنترل قیمتها و جلوگیری از غارت سرمایه داران بزرگ، دلالان و محتکران است

قیمت ها به هروز خطرناکی رسیده است

صیفی ۲ برابر پار سال فراوانتر و گرانتر است

قیمت سیب زمینی، که خوراک همه زحمتکشان است، تا ۶۶ درصد بالا رفته است.

قیمت انواع صیفی نسبت به سال گذشته تا ۱۳۳ درصد بالا رفته است.

بادمجان که در سال گذشته کیلویی ۲ تومان بفروشی میرفت، هم اکنون به کیلویی ۷ تومان رسیده است، یعنی دوست ۱۲۲ درصد گرانتر شده است. پیاز که در سال گذشته کیلویی ۲ تومان قیمت آن بود، هم اکنون به کیلویی ۴ تومان رسیده است، یعنی ۱۰۰ درصد بقیه در صفحه ۲

صیفی جات نسبت به سال گذشته تا ۱۳۳ درصد افزایش قیمت پیدا کرده است. سیب زمینی و پیاز، که مورد استفاده اکثر مردم، بویژه قشر زحمتکش جامعه است، روز بروز گرانتر میشود. گوجه فرنگی که دوبرابر بیشتر از سال گذشته در بازار یافت میشود، دوبرابر هم گرانتر شده است. سیب زمینی هم نسبت به سال گذشته ۶۰ درصد افزایش قیمت پیدا کرده است.

برخی از یگان های شوروی افغانستان را ترک میکنند

بعوجب توافق که میان اتحاد شوروی و جمهوری دموکراتیک افغانستان بعمل آمده، یگان هایی از نیروهای محدود شوروی در افغانستان، که در حال حاضر دیگر موجود آنها نیز نیست، عزیمت به اتحاد شوروی را آغاز کرده اند. اتحاد شوروی بارها اعلام کرده است که پس از آنکه علت حضور نیروهای محدود شوروی در افغانستان یعنی تجاوز و خرابکاری خارجی علیه این کشور - از میان رفته، سربازان محدود شوروی بلافاصله از افغانستان خارج خواهند شد. در حال حاضر این تجاوزها بویژه از طریق پاکستان و با همکاری سازمان سیا و چین و مصر هنوز ادامه دارد.

برای مبارزه با امپریالیسم امریکایی، دشمن اصلی مردم ایران، متحد شویم!

طبقه کارگر، پایدارترین...

پایه از صفحه ۱
ادارند، که هنوز طلبه آنها مشغول نیست و این باروان رنج و تلاش بر سرخوهای قهرسپاه زنجیر شده اند.

روزی که امام خمینی از کارگران خواست که برای افزایش تولید، از نوسل به هر چه اعتصاب و تحصن خودداری کنند، کارگران در اکثریت مطلق خود به این دعوت امام لیک گفتند و هر جا که مدیران طاغوتی، ضد انقلاب و گروه های چپ و چپ دهنه خوار بودند فتنه برانگیختند و کارگران را مجبور به تحصن و اعتصاب کننده کارگران آگاه تا آنجا که توانستند، این تلاش خرابکارانه را افشا کردند و به برادران زحمتکش خود هشدار دادند. هیچکس نمی تواند انکار کند که مدیریت و تشویق و تحریک طبقه کارگر، تعداد اعتصاب و تحصن در سراسر کشور اکنون به حد قابل رسیدن و این نیست مگر نموداری از درجه عالی آگاهی کارگران، که برای درهم شکستن توطئه های امپریالیسم، پسرکردگی امپریالیسم آمریکا، و شکستن محاصره اقتصادی این غارتگر بین المللی، شمار تولید هر چه بیشتر را سر اوچه دفتر رنج و کار خود قرار داده اند.

با کمال تأسف باید افزود که هر چند این لگداری پر دین و این اردوخودکشی میباید طبقه کارگر در شرایط دشوار بعد از انقلاب در نظر امام ملحوظ است، اما نظرها بر برخی گروه ها فاقد روح آذربای می شود. گاه از سوی این گروه ها چنان هجوم و حمله ای به طبقه کارگر می شود که برافع حیرت انگیز است، یکی از نویسندگان مسائل کارگری، که از فقدان «تیلیفات و سازماندهی» گروه های اسلامی در کارخانه ها گلدارد، معتقد است که:

... عدم حضور دانشجویان و روحانیت مترقی در سطح وسیع کارخانه ها موجب (تحقیق طبقه کارگر) شده و... بیم آن میرود که ذره ذره از اعتماد کارگران و توده های زحمتکش نسبت به هدف نهایی انقلاب اسلامی بکاهد.

بیمین دلیل پیشنهاد میکند که:
۱- ... انقلاب فرهنگی را پایدار و نامادارادارادیش قبل از همه میان کارگران برده زیرا انقلاب فرهنگی پدیده ای است برای توده های استثمار شده و اکثریت قاطع ملت را زحمتکش استعمار شده تشکیل میدهند.

اینها بیش از هر کسی نیازمند به این هستند که به مرحله آگاهی سیاسی برسند... انگاره های انحرافی و خرافی خود را فراموش نمایند، ناملمبه دست فرستند تا توده های نوگرا را اجنبی نشوند.

یوابع که از این شدیدتر نمیتوان به طبقه کارگر و زحمتکش توهین روا داشت. طبقه کارگر که نقش قاطع و ادر انقلاب بهمین ایفا کرد و با نشان دادن حد بالای هشیاری و آگاهی و قهرمانی، که بجای نیرومند آن، اعتراضات سراسری و بستن شیره های نفت بوده، در پیشاپیش خلق رژیم ۲۵۰۰ ساله شاهنشاهی راجه بانه دان تاریخ انگلند، طبقه ای که ۱۶ ماه است بارگران محرومیتها و بارودوش میبکشد و بر دباری پیشه کرده است، اگر گله ای دارد، گله خود را با مردم ترین و منطقی ترین شیوه ها نزد دوست میبرد تا دشمن نتواند از آن بسود خود سوء استفاده کند.

با این امید که جبهه خلق را در برابر دشمن نابکار، یعنی امپریالیسم امریکای متحد نگاه دارد و خطر شکست را از سر انقلاب دور سازد، اکنون همین طبقه زحمتکش، بیگانه و فداکار و پراکنده اکنون از سوی کسانی متمم شده است که گویا: اقتصاد کشور را فلج کرده است! اقتصاد کشور بی تردید فلج است اما نه به تفسیر کارگران پرتلاش و بر دبار، بلکه به تصور آن مسئولان دولتی که با انفعال سیاست گام بگام کارخانه ها را در دست مدیران طاغوتی ضد انقلاب باقی گذارند و به آنان فرصت خرابکاری و کارشکنی دادند و تازه وقتی که زیر فشار طبقه کارگر کارخانه ها ملی اعلام شده دست برای رفع موانع از آستین بندیدند، مواد اولیه یا وجود نداشت و یا از طرف مدیران طاغوتی احتکار میشد، اما مسئولین اجرایی سکوت پیشه ساختند از یکسو هرگز کسی ندید که یکی از این سرمایه داران وابسته ضد انقلابی بجرم کارشکنی در تولید به محکمه فراخوانده شود و از سوی دیگر محدودیت فکر، تعصب بیجا و یکسوگرایی برخی مسئولان، مانع از آن شد که به یوابع تصمیم مقتضی در برقراری مناسبات بازرگانی با کشورهای دوست انقلاب، انفراد گردد و مواد اولیه و قطعات یدکی کارخانه ها راه که امپریالیسم از ما دریغ میداشت، هر چه زودتر به کارخانه ها برسانند هنوز که هنوز است برخی از این مسئولین به خرید کالا از شرکتهای امپریالیستی فکر به ۳-۲ برابر قیمت وابسته ترند، تا به ایجاد و گسترش مناسبات بازرگانی با کشورهای دوست انقلاب ایران. روزنامه کیهان نوشته است:

(شرکتهای تجارتی که مرکزشان در اروپاست (یعنی شرکتهای امریکائی و ژاپنی) گزارش میبدهند که دادوستد آنها با ایران افزایش یافته... بیشتر روابط تجارتی توسط شرکتهای میانی در آرایش و سپس انجام میگیرند... و با کالاهای کشورهای همسایه ایران همانند پاکستان و دویب حمل میکنند، سپس این کالاهای همسایه فرستاده میشود.) (کیهان، ۳۱ خرداد ۵۹)

مسئولین امر چنین اقدامات و ارتوتهای راه اتخاذ شیوه های برای «خنثی کردن تحریم اقتصادی» میدانند، در حالیکه اتحاد این شیوه ها، یعنی خرید نامحلی از اعضای گران کشورهای بی که ما را تحریم اقتصادی کرده اند، از طریق دستهای واسطه، جز تحریک تولید داخلی و وارد کردن گران و نرم کشورهای سرمایه داری، نامی ندارد. به نوشته روزنامه کیهان: (آرایشها اشراف کرده اند که تجارتشان با گوشت و دویب و ماههای اخیر بیشتر افزایش پیدا کرده است، که چنین افزایشی به مناسبت صدور مجدد کالا از این کشورها به ایران است.)

بیجهت نیست که بهای کالاها هر روز با شتاب فراوان افزایش می یابند زیرا یکبار کشور میزبان سدهای کلان خود را در بهای کالاهای صادراتی منظور میکند و بار دیگر کشور واسطه، ارتام درستی بعنوان سود به قیمت کالاهای افزایش، در این نحوه معامله، تا کالا به دست مصرف کننده برسد، قیمتها چندین چند برابر شده است.

بطوری که بهیچیم پس عامل فلج کردن اقتصاد کشور طبقه کارگر نیست، بلکه عامل اصلی آن یکسوی و وابستگی و وابستگی به امپریالیسم است که تظاهر آشکار آنرا در صنایع و صنایع و کشاورزی ویران می بینیم، و از سوی دیگر ندانند کاری، بی مسئولیتی، ذهنی گرائی، یکسویه گری مسئولان و مهمتر از همه فقدان برنامه اقتصادی از سوی دولت انقلاب است.

پس چرا باید طبقه کارگر را متمم بهیچ اقتصادی به انقلاب کرد؟ چرا باید توده های زحمتکش را «توده های استثمار شده» نامید؟ مگر همین توده ها نبودند که با ابتکار بی دریغ، انقلاب را پیروز کردند؟ مگر همین توده ها نیستند که اکنون مدیریت نداشتن کار، نان، مسکن، پوشاک، دارو و مدرسه، در نخستین سنگر دفاع از انقلاب ایستاده و سینه های مرغان خود را سر هجوم و حمله امپریالیسم غدار امریکا کرده اند؟ مگر همین توده ها نیستند که هنوز بعنوان بهترین عامل مبارزانه، مساوی امپریالیسم امریکا بحساب می آیند؟ مگر همین توده ها نیستند که اگر کرس از نیروی شکر آنان نبوده امپریالیسم امریکائیکان کتون صدمه باره استقلال ما را پلیده بود؟ چرا بایستی این توده ها را «استعمار شده» نامید؟ چرا

سیاست وزارت خارجه...

حقوق حاکمیت، مانند جمهوری دمکراتیک افغانستان است. گذشته از این، وزیران امور خارجه ایران و پاکستان در حالی به این اقدام غیر قانونی دست میزنند، که دولتهای شیوعه آنها با دولت جمهوری دمکراتیک افغانستان دارای روابط دیپلماتیک اند. جمهوری دمکراتیک افغانستان عضو سازمان ملل متحد و عضو کنفرانس کشورهای اسلامی است و اکثریت کشورهای جهان روابط سیاسی دارد. بدین شکل دولت کنونی جمهوری دمکراتیک افغانستان یک دولت مستقل و مورد شناسائی بین المللی است. بدین ترتیب مسائل داخلی جمهوری دمکراتیک افغانستان و مناسبات آن با هر کشور و دولت دیگری جزء حق حاکمیت دولت قانونی آن بشمار می رود و هرگونه کوشش و اقدامی، از جانب هر دولت و کشور دیگر، نقض صریح و گستاخانه این حق و مداخله آشکار در امور داخلی جمهوری دمکراتیک افغانستان بشمار می آید.

مطلب دیگر آنکه، به اصطلاح بحران افغانستان از نتایج مستقیم تحریک و توطئه امپریالیسم امریکای رژیم ضیاعالحق در پاکستان و چین و مداخله سلطه آنها علیه دولت قانونی و رژیم ملی و دمکراتیک در افغانستان است. امریکای و چین و پاکستان از نخستین روز بیرونی انقلاب ملی و دمکراتیک در افغانستان، توطئه ها و تحریکات خود علیه انقلاب و رژیم ملی و دمکراتیک در افغانستان را آغاز کردند و نیروهای ضد انقلاب، یعنی خانها و ثوواله های افغانی و وابستگان به رژیم سلطنتداره که در نتیجه تحولات دمکراتیک و بویژه اصلاحات ارضی به نفع توده های عظیم زحمتکش این کشور سر به طغیان برداشته، مورد حمایت خود قرار دادند. این نیروهای ضد انقلابی در اردوگه های اغنیان فراری در خاک پاکستان و چین تمرکز یافتند. ضد انقلابیون در این اردوگاهها زیر نظر مستشاران نظامی و جاسوسان حرفه ای سیا و سازمانهای امنیتی چین و پاکستان متشکل شدند، آموزش نظامی، جاسوسی و خرابی کاری و تروریستی گرفتند و برای خرابکاری، مداخلات خفیه افغانستان رستاره شدند.

توطئه گرانه امپریالیسم امریکای، چین و پاکستان تا جایی گسترش یافت که استقلال و امنیت رژیم ملی و دمکراتیک در افغانستان با خطری جدی مواجه گردید. در چنین شرایطی دولت قانونی جمهوری دمکراتیک افغانستان، بموجب قرارداد دو جانبه با اتحاد شوروی، از دولت آن کشور برای مقابله در

ایران اقدامات لازم را انجام داد. هدف عمده امپریالیسم امریکای از سر برداشتن رژیم ملی و دمکراتیک در افغانستان آن بود که پس از پیروزی انقلاب ایران و دست دادن مواضع اقتصادی و سیاسی و مهمتر از همه مواضع نظامی خود در ایران، افغانستان را به پایگاه نظامی خود در درجه اول علیه اتحاد شوروی و جمهوری اسلامی ایران تبدیل سازد.

امپریالیسم امریکای پس از ناکامی در اجرای نقش سرنگونی رژیم ملی و دمکراتیک در افغانستان، تاکتیک جدیدی را با هدفهای مشخص در پیش گرفت و کوشش کرد که با تشدید تبلیغات ضد شوروی و تلقین خطر واهی از جانب اتحاد شوروی، پستی کشور، های منطقه، تدارکات جنگی، گسترش حضور نظامی و پیچیده های نظامی در منطقه طرح و نقشه های مداخله سلطه خود را علیه جمهوری اسلامی ایران استوار کند و توجه خلقهای منطقه را از خطر واهی که از جانب امپریالیسم امریکای استقلال و امنیت کشورهای مستقل ملی و قبل از همه انقلاب ایران را تهدید میکند، منحرف سازد.

از سوی دیگر امپریالیسم امریکای به دستگیری رژیمهای دست نشانده خود در منطقه از قبیل رژیم ضیاعالحق در پاکستان، سلطان قابوس در عمان و عربستان سعودی، به منظور جلوگیری از گسترش نفوذ و تأثیر انقلاب ضد امپریالیستی و خلقی ایران در آن کشورهای منطقه که زیر سلطه امپریالیسم امریکای قرار دارند، بادرغ و ریا پرچم دفاع از اسلام و کشورهای اسلامی را بر افراشت. اجلاس بهمین نام کنفرانس کشور-های اسلامی در پاکستان، که بمنظور محکوم کردن مداخله نظامی شوروی، پسرکردگی امریکای و به ایجاد رژیمهای دست نشانده امریکای، در منطقه فراخوانده شد، از نخستین نتایج تاکتیک جدید امریکای بود.

اما مطلب مهمتر دیگر آنکه، سیاست وزارت امور خارجه ایران در مسئله افغانستان چه هدفی را دنبال میکند و برفع کبست؟

صیفی، ۲ برابر...

افزایش قیمت پیدا کرده است. صمد عراقی کارگر یکبارگی که حدود دو سال است از کار بیکار شده است در مورد افزایش قیمتا به خبرنگار ما میگوید: (قیمتها نسبت به سال گذشته ۴ برابر افزایش پیدا کرده است. از یک طرف سرمایه دارها قیمت را اضافه میکنند از طرف دیگر واسطه ها قیمت را میچرخانند از طرف دیگر، مقاله قیمتها را به حدی از حدی خود می رسانند. من در سال گذشته سیب زمینی را کیلویی سه تومان میخریدم، ولی الان باید برای یک کیلو سیب زمینی ۶ تومان پول بدهم. من که کارگر بیکار هستم و باید خرج ۶ سر عائله را هم بدهم، نمیتوانم گوشت کیلویی ۵۰ تومان خریداری کنم، میبویم سیب زمینی بخورم بچه های بدم. اگر قیمتها بخواهد باین ترتیب بالا برود، سال آینده برای یک کیلو سیب زمینی ۱۰ - ۱۲ تومان باید پول بدهم.)

یاقف شمالی، کارمند بازنشسته هم در مورد وضعیت قیمتها میگوید: (کالاهای قیمت پکسانی ندارند، بطور مثال گوچه فرنگی در یکسوی خیابان کیلویی ۸ تومان است و آن طرف خیابان که میروی، کیلویی ۷۵ ریال بفروش می رسانند، در یک خیابان دیگر همان گوچه فرنگی ۷ تومان است.)

درد : در حالیکه انواع سیفیجات که در بافهای ایران تولید شده اند، نسبت به سال گذشته خیلی گرانتر است، اما قیمتها هم به نحو کمرنگی بالا رفته است. بهیچیم مردم در این باره چه میگویند؟

خاتم اکرامی، کارمند دولت، میگوید: (سال گذشته پیاز با اینکه در بازار کمیاب بود، ولی به قیمت مناسبی فروخته میشد، ولی امسال همان پیاز را که ۲ تومان قیمت داشته کیلویی ۵ تومان میخریم، در حالی که نسبت به سال گذشته فراوانتر شده است. این موضوع در مورد گوچه فرنگی هم صدق میکند. چون سال گذشته گوچه فرنگی در بازار خیلی کمیاب بود، بطوری که ما بیشتر از چهار پار مصرف میکردیم، ولی امسال با وجود فراوانی دو برابر قیمت داشته در بازار عرضه میشود. سال گذشته با وجود کمیاب کیلویی ۸ تومان فروخته



عراقی، باغبان شهرداری، قیمت سیب زمینی ۴ برابر شده است.

درد : در حالیکه انواع سیفیجات که در بافهای ایران تولید شده اند، نسبت به سال گذشته خیلی گرانتر است، اما قیمتها هم به نحو کمرنگی بالا رفته است. بهیچیم مردم در این باره چه میگویند؟

خاتم اکرامی، کارمند دولت، میگوید: (سال گذشته پیاز با اینکه در بازار کمیاب بود، ولی به قیمت مناسبی فروخته میشد، ولی امسال همان پیاز را که ۲ تومان قیمت داشته کیلویی ۵ تومان میخریم، در حالی که نسبت به سال گذشته فراوانتر شده است. این موضوع در مورد گوچه فرنگی هم صدق میکند. چون سال گذشته گوچه فرنگی در بازار خیلی کمیاب بود، بطوری که ما بیشتر از چهار پار مصرف میکردیم، ولی امسال با وجود فراوانی دو برابر قیمت داشته در بازار عرضه میشود. سال گذشته با وجود کمیاب کیلویی ۸ تومان فروخته

باید به آنان توهین کرد و دشمنان داد؟

انقلاب ایران وظیفه دارد برای این توده شرافتمند، محروم و بولاشت و ایشادگری، زندگی درخورد نماند کند و مانع از آن شود که روزی در دلهایشان جوانهای تلخ یاس سر بر آورد.

انقلاب باید بتواند نیروی عظیم توده های زحمتکش و بویژه طبقه کارگر را به پایگاه پشتوانه گرانقدر مداوم خود حلقه کند و این امر خطری با «تیلیفات و سازماندهی» اند میباید کارخانه ها میسر نیستند بلکه با اقدامات عملی مور جهت پیروزی زحمتکش و لحنی آرمانهای سیاسی شان امکان پذیر است. راه فقط اینست.

نامه «مردم» به زبان آذربایجانی منتشر شد

شماره های گذشته نامه «مردم» برای فروش به طور تک شماره آماده است

بدفتر نامه «مردم» مراجعه فرمائید

Table with 4 columns: نام کالا, قیمت سال گذشته, قیمت امسال, افزایش درصد. Items include گوچه فرنگی, بادامجان, پیاز, سیب زمینی, فلفل سبز, کاهو, کدو, کلم.

میشه ولی امسال با وجود فراوانی کیلویی ۸ تومان! قیمت فلفل سبز نیز همانند دیگر سیفیجات گرانتر از سال پیش فروخته میشود. امسال فلفل سبز کیلویی ۳۰ - ۴۰ تومان در بازار به دست مصرف کننده میرسد، در حالی که سال پیش کیلویی ۲۰ تومان عرضه میشد.

برای مقابله با تجاوز نظامی امپریالیسم امریکا تمام خلق باید از نظر نظامی مجهز شود

Advertisement for 'Mardom' magazine, featuring the title 'نامه «مردم» به زبان آذربایجانی منتشر شد' and promotional text about the magazine's focus on the Iranian revolution and its call for national liberation.

بمناسبت شصتمین سالگرد تأسیس حزب کمونیست ایران

حزب کمونیست ایران در چه شرایط تاریخی تشکیل شد (۱)

بمناسبت شصتمین سالگرد تأسیس حزب کمونیست ایران، نامه «مردم» مفید دانست که، ولو باختصار، تاریخچه‌ای از حزب کمونیست ایران را که از تاریخ جنبش ضدامپریالیستی، دمکراتیک و خلقی ایران معاصر جدا نیست، طی چند مقاله به اطلاع خوانندگان گرامی برساند. باشد که از این تاریخ پرافتخار و پرفراز و نشیب، برای تثبیت، تحکیم و گسترش دستاوردهای انقلاب پیروزمند ضدامپریالیستی، دمکراتیک و خلقی ایران درسهای لازم گرفته شود.

شصتمین سالگرد تأسیس حزب کمونیست ایران، امسال در شرایط پیروزی انقلاب شکوهمند مردم ایران بر جری امام خمینی و استقرار جمهوری اسلامی بجای رژیم طاغوتی شاهنشاهی، در کشور برگزار می‌کنیم.

سالگرد تأسیس حزب طراز نوین طبقه کارگر ایران، حزبی که صفحات تاریخ پرافتخارش با خون هزاران شهید مبارز علیه استعمار امپریالیستی و استبداد شاهی نوشته شده است، امسال در شرایطی برگزار می‌شود که نهضت تاریخی رهائی بخش ملی و ضد-امپریالیستی مردم ایران باغدارترین دشمن توانگر خود، امپریالیسم آمریکا، درگیر مبارزه مرگ و زندگی، درگیر نبرد آینده‌ساز است. در این شرایط، بررسی جنبش کمونیستی و کارگری ایران، که بخش مهم و اساسی نهضت همگانی ضد امپریالیستی مردم ایران است، اهمیت ویژه‌ای کسب می‌کند، زیرا بررسی درست تاریخ واقعی، امکان می‌دهد که مردم دستاوردهای حاصله را استوار سازند و گسترش دهند، از اشتباهات گذشته عبرت بگیرند و از آنها بی‌بهرینند. زندگی و مبارزه روزانه را بهتر اداره کنند و پیش برنند و پیروزیهای بزرگتر فردا را زمینه‌سازی و پی‌ریزی کنند.

(۱)

نخستین کنگره حزب کمونیست ایران، که کنگره مؤسسان حزب محسوب می‌شود، آخر خرداد - اوایل تیر ۱۳۴۹ در شهر انزلی رسماً تشکیل حزب را به جهانیان اعلام داشت. اما این اعلام رسمی تأسیس حزب، حدود نیمقرن زمینه تاریخی ششون از مبارزه در راه تشکیل طبقه کارگر، ترویج اندیشه‌های سوسیالیستی و پیوند سوسیالیسم علمی با جنبش کارگری را پشت سر داشته است. نقاط گرهی تاریخ هر یک از این گستره‌های بنیادی جنبش را به‌جمال از نظر بگذرانیم.

شرایط تاریخی

بطوریکه اسناد موجود و پژوهشهای محققین نشان می‌دهد، تکوین طبقه کارگر ایران بمعنای خاص علمی کلمه (طبقه محروم از وسائل تولید، که برای زندگی چارهای جز فروش نیروی کار خود همچون کالایی در بازار ندارد) و نخستین آشنایی جامعه ایران با اندیشه‌های سوسیالیسم علمی، به‌دوران گذار جامعه ما از مناسبات ارباب - رعیتی (فئودالی) به روابط سرمایه‌داری (بورژوازی) یعنی نیمه‌دوم قرن ۱۳ هجری (اواخر قرن ۱۹ و اوایل قرن ۲۰ میلادی) تصادف می‌کند.

این درست همان دورانیست که سرمایه‌داری رفته یافته (در اروپای غربی، آمریکا و ژاپن) رفته رفته به آخرین مرحله خود، امپریالیسم قدم می‌گذارد. تدریجاً تولید و سرمایه و پیدایش انحصارها به‌تدریج جهانی، توأم شدن سرمایه بانکی و سرمایه صنعتی و پیدایش الیکتریکاری مالی - حاکمیت گروه کوچک بانکداران بزرگ بر اقتصادیات جهان) صدور سرمایه به‌بنا و در تکمیل صدور کالا، و بالاخره سیاست استعماری امپریالیسم، تأثیر شدید دوجانبه‌ای روی روند تاریخی گذار جامعه ایران از نظام ارباب - رعیتی به نظام سرمایه‌داری می‌کند. این تأثیر متضاد گسترش مناسبات سرمایه‌داری و شکل گرفتن بورژوازی، ایران را از مسیر معمولی تاریخی منحرف می‌کند. همه اجزای اصلی رشد مستقل اقتصاد سرمایه‌داری (گسترش روابط پولی - کالا - پول) و محدودیت اقتصاد جنسی، توسعه اقتصاد روستائی تجار، تبدیل نیروی کار به کالا و گسترش کار مزدی در شهر و ده، تقویت صنایع دستی (مانوفاکتور)، پیدایش صنایع جدید بزرگ و ماشینی از بن صنایع کوچکتر پیشه‌واری و غیره) تحت تأثیر متضاد و متضاد سرمایه انحصاری امپریالیستی قرار می‌گیرد. سمت فعالیت بازار واحد داخلی، که در شرف تشکیل و یکی از نشانه‌های رشد سرمایه‌داری است، بیش از پیش معطوف به تقاضای بازار جهانی می‌شود. همه این عوامل در روند تجمع اولیه سرمایه مؤثر واقع می‌شود. سرمایه تجار و بالتبع نتیجه بورژوازی کمپرادور (دلایل) بیشتر و سریعتر از سرمایه صنعتی و بالتبع نتیجه بورژوازی ملی رشد می‌کند. رشته‌هایی از کشاورزی و صنایع (تیمیه مواد خام) رشد می‌کنند که محصولاتشان برای سرمایه انحصاری امپریالیستی ضروری است. در مقابل، از رشد صنایع مستقل ملی و مادر جلوگیری می‌شود. خلاصه آنکه گسترش روابط سرمایه‌داری و شکل گرفتن بورژوازی در ایران یک‌جانبه، غیرعادی، معیوب و به‌کنندگی پیش می‌رود. بدین ترتیب، بورژوازی نورسته ایران از همان زمان، به‌عبارت طبقه کارگر، روردروری و نیروی عمده اجتماعی: مناسبات ارباب - رعیتی و سلطنت مطلقه فئودالی، سرمایه انحصاری خارجی سیاست استعماری امپریالیسم قرار می‌گیرد.

طبقه کارگر ایران در شرایط مبارزه با بورژوازی نورسته علیه دنیروی اجتماعی: خودکامگی فئودالی و نفوذ روافزون امپریالیسم، بوجود آمده رده‌می‌کند. اقداماتی که میرزا تقی‌خان امیرکبیر برای تقویت صنایع ملی و تأسیس کارخانجات جدید در ایران معمول داشت، در مقابل رقابت کالاهای خارجی نتوانست نتایج موثری ببار آورد. کارخانه نخی‌ریسی بر تهران، که در آن نخستین بار در ایران از ماشین‌های پارچه‌ساز استفاده می‌شد، کارخانجات قند و سار و رفروش، کارخانجات بلورسازی و چینی‌سازی در بران، قم و اصفهان، کارخانجات چدن‌ریزی، من‌سازی و بخاری، کارخانجات تفنگ‌سازی و شنگ‌سازی و غیره اغلب پس از مدت کوتاهی از کار تاندن، بوجود آمدن حدود چهل سال بعد، یعنی دهه

که در آن بازار شیوه سرمایه‌داری تولید حاکم است و فروش محصول این تولید را خارج از کشور نافع‌تر می‌کند، در آن حال بر مصائب وحشیانه برده‌داری، سراز و غیره، مشقات متعلق کارزاده از حد اضافه می‌شود. (کاپیتال، جلد ۱، ص ۲۴۸).

با گسترش مناسبات تولیدی سرمایه‌داری بر مصائب کارگران ایران نیز افزوده می‌شد. سندی که در دست است، نشان می‌دهد که کارگران صنایع ماهیگیری دریای خزر از ۷ صبح تا ۷ عصر کار می‌کردند. در جمیع ابریشم گیلان ۱۱ ساعت کار روزانه تعیین شده بود. در حالیکه دستمزد کارگران زن و کودکان نسبت به کارگران مرد پایین‌تر بود، مدت کار روزانه برای همه یکسان بود.

در سالهای قبل از انقلاب مشروطیت، در کارخانجات ابریشم، متعلق به اعیان‌الضرب، کارگران مرد روزانه از ۱۵ تا ۳ قران، کارگران زن از ۱۰ تا ۱۵ شاهی و اطفال خردسال از ۷ تا ۱۰ شاهی دستمزد می‌گرفتند. در کارخانجات طالبانی کرمان استادکار از ۱ تا ۱٫۲ قران و خردسالان (که کارگران عمده را تشکیل می‌دادند) از ۳ تا ۴ قران دستمزد می‌گرفتند. قالیبافان کرمان در حدود ۱ تا ۱٫۲ قران دستمزد داشتند. با در نظر گرفتن قیمت اوراق ضروری در آن زمان، محققین به این نتیجه رسیده‌اند که تنها خرج خوراک روزانه یک خانواده حداقل ۳ قران می‌شده است، که در آن مخارج پوشاک، لباس و کفش، کرایه‌خانه، سوخت، معالجه و غیره - بحساب نیامده است.

سبب اصلی شرکت فعال توده‌های زحمتکش و در پیشانی آنان طبقه کارگر نورسته ایران در جنبش سوسیال دمکراتیک (اجتماعیون عامیون) و انقلاب مشروطیت ایران (۱۲۸۴ - ۱۲۹۰) در حقیقت تلخ وضع ناپس‌آمان اقتصادی، اجتماعی و سیاسی کشور و وضع طاقت‌فرسای زندگی مردم نهفته است. به همین علت است که در دوره مورد بحث، نه فقط روشنفکران مترقی و روحانیون مبارز مجبور به ترک وطن و انتشار مطبوعات خود در خارج از کشور (اختر در ترکیه، حیل‌المتین در هند، پرورش و ثریا در مصر، قانون در انگلستان، عروه‌الوقفی در فرانسه و غیره) میشوند، بلکه هزاران و هزاران کارگر و روستائیان زحمتکش، که از تهیه نان روزانه خانواده در مین خود عاجز می‌شدند، به کشورهای همسایه، بویژه روسیه، رومیان و هند، در آنجا از نزدیک با جنبش سوسیال دمکراتیک کارگری آشنا می‌شدند. در عین حال باید گفت که عقب‌ماندگی اقتصادی، ضعف مناسبات سرمایه‌داری، کوچکی و پراکندگی مناسبات صنعتی و غیره، همه همه در کیفیت طبقه کارگر، درجه تشکیل و میزان آگاهی آن، و بالتبع نتیجه در جنبش سوسیال دمکراتیک و کارگری، در ماهیت پیشرفت انقلاب مشروطیت تأثیر منفی داشت. درباره اندیشه‌های سوسیالیسم علمی، برای نخستین بار در ایران، در مقاله‌ای که روزنامه ایران (شماره ۴۰۲ اسفند ۱۲۵۹) به نقل از روزنامه مترقی و مهاجر اختر (چاپ استانبول) بمناسبت همین سالگرد کمون پاریس (۱۸ مارس ۱۸۷۱) درج کرد، به تفصیل سخن رفته است. روزنامه سبب درج مقاله را چنین توضیح می‌دهد:

«سوسیالیست‌ها... روز بروز در ترویج دادن مفاسد خودشان ترقی می‌نمایند... والان قریب بیست سال میشود که در جمیع اروپ منتشر شده‌اند.»

روزنامه مینویسد:

«در آثای محاربه پروس و فرانسه اصحاب این اعتقاد بنام تومونی و (انترناسیونال) شهرت یافته بودند»

پس از شکست کمون پاریس «این گروه از اجرای مقاصد دست‌نکشیده آهسته آهسته در اطراف ممالک اروپا منتشر شده، تخم خیالات خودشان را کاشتند و الان در روستان بیشتر از همه جا کار می‌کنند»

خلاصه آنکه نویسندگان مقاله، بسبب اهمیت سوسیالیسم و ترویج آن در جهان و گفتگو نیراهون سوسیالیست‌ها در «صحافت اخبار» تصمیم می‌گیرند ایرانیان را با این نظریه آشنا سازد. «اصل مقصود این گروه» را نویسندگان چنین توضیح می‌دهند:

مخبره‌اند «فقر و عمل را در کل احوال، دم مشتک سازند و از این راه معیشت و سعادت حال فقرا و رنجبران را خاطر جمع دهند و در این خصوص مولفین بسیار تالیفات یشمار نوشته‌اند».

قبل از انقلاب مشروطیت با موج دیگری از رشد صنایع پیشه‌وری ملی و ایجاد صنایع جدید روبرو می‌شویم، که دوام بیشتری پیدا می‌کند و بتدریج گسترده‌تر می‌شوند. ولی رویکردها بیشتر به پیشرفت می‌نمایند. محقق ثوروی، بر فوسفور عبداللایف، که پژوهشهای مفصل و دقیقی درباره «صنایع و پیدایش طبقه کارگران ایران» (چاپ باکو، سال ۱۹۶۳) کرده است، جدول جالبی از موسسات صنعتی و عده کارگران ایران در این دوره ترتیب داده (صفحه ۲۲ کتاب نامبرده) که در زیر می‌آوریم. (البته این جدول همه رسته‌ها را فراموش کرده و ارقام آورده شده نیز تقریبی است، ولی در هر حال تصور کلی از وضع موجود آن زمان ایجاد میکند)

رشته صنایع	عده کارگران به هزار نفر
صنایع فابریکی و کارخانهای	۱۷
صنایع نفت (ترکت نفت ایران و انگلیس)	۸ تا ۷
صنایع استخراج معادن	۲۰
صنایع قالیبافی	۷۰ تا ۷۰
صنایع نساجی	۲۰
کارخانجات فلزکاری (آهنگری)	۲
کارخانجات چرم‌سازی	۹
رشته‌های دیگر صنایع پیشه‌وری	۱۰
ماهیگیری دریای خزر	۴۲
استخراج مروارید	۴
کارگران باندر و کشتیرانی	۴
کارگران باربری	۳
صنایع جنگلی	۳
صنایع ساختمان راه‌آهن	۳
کارگران بهر برداری از راه‌آهن	۲
کارگران راه‌سازی	۳
کارگران چاپخانه‌ها	۵
صنایع خانگی	۵

رویه‌رفته
۱۳۶ هزار و ۳۰۰ نفر

آمارهای موجود و پژوهشهایی که شده است، نشان می‌دهد که دهه‌های هفتم و هشتم قرن ۱۳ هجری، دورانی است که در ایران، با وجود موانع معین، روند پیدایش و گسترش طبقه کارگر آغاز شده است. گرچه در ترکیب مجموعه این طبقه عده پرولتاریای معاصر کم است، معذالک عده زیادی به‌کار مزدی در صنایع متوسط و کوچک شهری و روستائی، در حمل و نقل و غیره بکار اشتغال داشته‌اند. در تاریخ گسترش روابط تولیدی در ایران این سالها درست همان دوره‌ای است که به گفته مارکس «سرمایه، کار را در همان شرایط فنی که یافته است بخود وابسته می‌سازد.» (کاپیتال، جلد اول، ۱۹۵۵، صفحه ۳۱۵).

اواخر دهه هشتم است که شرکت‌های سهامی نظیر شرکت «سعدیه» و سپس «اسلامیه» (با سرمایه‌ای در حدود ۱۵۰ هزار تومان)، شرکت «محمودیه»، شرکت «اتحادیه»، شرکت «دانه» و غیره بوجود می‌آیند. که از طریق پیوند صنایع با بازرگانی، به روند تجمع سرمایه در کشور کمک موثری می‌کنند. آمارهای موجود نشان می‌دهد که بویژه آن رشته‌هایی از صنایع توسعه می‌یافتند (از شکل صنایع عقب مانده، دستی و پیشه‌واری به شکل صنایع جدید و ماشینی در می‌آمدند) که محصولاتشان مورد نیاز سرمایه‌داران خارجی بود. از این جمله‌اند صنایع پنبه‌پالایی (در سالهای ۱۲۷۶-۱۲۷۷، در آله یک کارخانه، بارفروش یک کارخانه، ساری دو کارخانه، اشرف یک کارخانه، بندرگز یک کارخانه، میان‌آباد دو کارخانه و فومن یک کارخانه)، صنایع ابریشم (بیش از این شکل پنبه صادر می‌شد، اما در این سالها بوسیله کارشناسان ایتالیایی، فرانسوی و یونانیان ترکیه گسترش داده شد)، گشت خشخاش و تهیه تریاک، گشت توتون و صنایع دخانیات و غیره. جالب توجه است که بسیاری از موسسات صنعتی توسط سرمایه‌داران خارجی ایجاد می‌شد و متعلق به آنها بود (صنایع پنبه پالایی، صنایع ماهیگیری دریای خزر، صنایع نفت و غیره) بدین ترتیب ایران رفته رفته به منبع تولید مواد خام برای صنایع امپریالیستی تبدیل می‌شد، کشاورزی تجاروتی رونق می‌یافت، که این نیز بنوبه خود به گسترش بازار واحد داخلی و جلب و وابستگی ایران به بازار جهانی کمک می‌کرد.

چنانکه مارکس در کتاب جاویدش «سرمایه» گفته است:

«همینکه حلقه‌هاییکه تولید آنها هنوز به‌شکل‌های نسبتاً پست‌تر کاربرده‌گی، بیگاری و غیره صورت می‌گیرد، شروع به‌جلب شدن به‌بازار جهانی می‌کنند،

سپس نویسنده نظری به تاریخ اندیشه‌های سوسیالیستی در اروپا و بویژه در ایران، از زمان باستان تا آن روز، می‌اندازد و پس از ذکر مبارزه بی‌امان طبقات حاکمه علیه این نوع افکار در طول تاریخ، مینویسد:

«این گروهها که آنان را گاهی سوسیالیست و گاهی نیهیلیست و گاهی کومونیست گفته‌اند مانند گذشتگان برای بیم‌زدن ادیان و مذاهب عزمی ندارند. مقصودشان بطور خلاصه اینست که میگویند روی زمین بمنزله یک خانه است و اهل آن اهل یک خانه و اولاد یک پدر و مادر. همه برادروار زندگانی کنیم، همه به‌عزت و افتخار و وسعت روزی و کمی زحمت‌عبر بگذرانیم. دیگر نه پادشاه خود را لازم داریم و نه حکومت‌های مستبد را. این قدر هم که قشون و اسباب جنگ که دولت‌ها برای خراب کردن خانه‌های یکدیگر و کشتن انبای جنسی ما ترتیب می‌دهند روز بروز اسباب آدم‌کشی را ترقی داده بیجهت و سبب کرور کرور بنی آدم را بی‌هیچ گناهی قتلانی خیالات و هوای نفسانی خودشان می‌کنند و مبالغی پول‌ملت در این راه صرف می‌شود، هیچکس لازم نیست. منتها ترقیبی باید داد که مردم به کمالات فراغت و آسودگی با هم‌دیگر الفت و رزندی برادروار راه ببروند و گوناگونی هم به‌تنگی و خواری نشود.»

بررسی تحلیلی مقاله که بسیار مفصل است، نشان می‌دهد که هوف خود هنوز اختلاف اساسی بین سوسیالیسم علمی و سوسیالیسم تخیلی، بین سوسیالیسم پرولتری و سوسیالیسم غیر پرولتری (از جمله سوسیالیسم فئودالی و غیره) را درک نکرده است. او هنوز تفاوت بین انقلابی حقیقی و هیولان سوسیالیسم نظیر بلاتکی و (بگفته‌نیز) «رهبر کارگران در گفتار و عامل بورژوازی در کردار»، لویی بلان را تفهیده است و عقاید التقاطی این نماینده سوسیالیسم خرده‌بورژوازی را نمونه اندیشه سوسیالیسم علمی قلمداد می‌کند. نویسنده بطور کلی افکار سوسیالیستی را واقعی و علمی نداند، و مینویسد:

«هنوز بجز سخن از این مطالب چیزی فهمیده نشده است و ترتیب و تأسیس همچنین اوضاعی ظاهر است که در کمالات اشکال بل از قبیل محالات است.» نویسنده از مواضع عینی‌گرایی بورژوازی و در سطح بسیار نازکی به‌اندیشه‌های سوسیالیستی برخورد می‌کند و جریانات بلکی متفاوتی را در هم می‌آمیزد. البته در شرایط ایران آن زمان، یعنی صدسال پیش، چنین برخوردی می‌توانست طبیعی نظر رسد. اهمیت تاریخی مقاله در اینست که برای نخستین بار، آنهم به تفصیل، در مطبوعات رسمی و علمی ایران، گفتگو پیرامون سوسیالیسم آغاز شده است. پژوهشهایی که کرده‌ایم و اسنادیکه در دست داریم نشان می‌دهد که، از آن زمان است که بتدریج گفتگو و مباحثه درباره سوسیالیسم و کمونیزم در ایران گسترش می‌یابد. در این جا باختصار از یک سند تاریخی دیگر نیز یاد کنیم که برای جمع‌بندی این بخش از تاریخ ترویج افکار سوسیالیستی در ایران دارای اهمیت خاصی است. در حدود یک سال نیم بعد، روزنامه «فرهنگ»، چاپ اصفهان، در یک سلسله از اوراق - هایش نخستین بار در ایران «رساله علمه‌الحکما جمال‌الدین حسینی در ابطل مذهب نیچریها» (طبیعیین) را بچاپ رساند. این اثر مشهور سیدجمال‌الدین اسدآبادی، در شرایط ایران آن روز، رویهم‌رفته نقش روشنگران و مترقی داشت. بعضی از محققین حتی او را یکی از اولین مبشرین سوسیالیسم در ایران میدانند. اگر «رساله موسوم به یک کلمه» (تالیف میرزا یوسف‌خان مستشارالدوله، چاپ پاریس، ذیقعداله‌حرام ۱۲۸۷)، که نخستین بار در تاریخ کتب فارسی به تفصیل از «قانون اساسی» و ضرورت آن برای ایران صحبت کرده، در خارج از ایران به‌طبع رسید و در ایران منتشر می‌گردد (و باعث بی‌خانمانی و نابودی مولفش شد)، اثر سیدجمال‌الدین ۱۱ سال بعد از آن مسئله «انواع حکومت‌ها چه حکومت جمهوری بوده باشد و چه حکومت مشروطه و چه حکومت مطلقه» را آشکارا در ایران مطرح کرد (که او نیز مغضوب ناصرالدین شاه شد و از ایران تبعید گردید). البته در این سلسله مقالات بصراحت و قطعیت از ضرورت حکومت مشروطه یا جمهوری و تدوین قانون اساسی پشتیبانی نشده بود. معذالک مولف متذکر می‌شد که حکومت باید قانون داشته باشد و «خانه حکومت که فی‌الحقیقه خزینه عموم رعایاست حفظ شود... و برسیل اقتصاد در منافع عمومی اهالی چون بنای مدارس و کتاب و انشاء قنات و طرق و بنیاد دارالشفا صرف شود.» (فرهنگ، نمره ۱۱۷، ذیقعه ۱۲۹۸).

مولف با وجود طرفداری از نوعی عدالت اجتماعی، چون به تفاوت اساسی بین «مذهب طبیعیین» و ماتریالیسم فلسفی، همچنین باختلاف بین مالکیت خصوصی (بروسائل تولید جهت استثمار کار دیگران) و مالکیت شخصی (بروسائل لازم جهت زندگی مرفه خانوادگی) از نظر سوسیالیسم علمی پی‌نبرده است، لذا با ماتریالیسم فلسفی و سوسیالیسم علمی در مخالفت در آمده است. او «علت حقیقیه همه مزایای انسان» را «حب اختصاص و امتیاز» دانسته مینویسد:

«چون اختصاص (یعنی مالکیت خصوصی) و امتیاز (یعنی برتری طبقاتی) برداشته شود... انسانها چون به‌هم‌دستی در این جهان زندگی خواهند کرد.» (فرهنگ، نمره ۱۲۲، ذیقعه ۱۲۹۸)

البته چنین برداشتی از سوسیالیسم علمی و نظریه فلسفی آن ماتریالیسم، در جامعه عقب‌افتاده آن روز ایران، که تازه نام سوسیالیسم و کمونیزم را می‌شنیدند، تعجبی ندارد. در اروپای پیشرفته آن زمان نیز مارکس و انگلس نظریه سوسیالیسم علمی و فلسفه ماتریالیسم دیالکتیکی را در مبارزه پیگیر علیه نظایر یقیه در صفحه ۷

ضد انقلاب در

روستاهاى فارس

فعال است

فصل برداشت محصولات کشاورزی، بخصوص جوگندم فرا رسیده است. لذا دلایلیر که در این انقلاب بزرگ مردم ایران و به همت کشاورزان زحمتکش دست آنها از روستاها کوتاه شده و دیگر نمیتواند مانند سابق بدون دشمنه کشاورزان را غارت کنند، به حرکات مزدبازگانه ای نیست میزنند و هر روز و هر ساعت برای حفظ منافع غارتگرشان علیه زحمتکشان روستاها توطئه میکنند. مالکانی که بی ازار انقلاب زمینهایشان را از دست داده اند و نیز فئودالهایی که موقعیتشان را در خطر می بینند، برای ادامه غارتگری در صورتیکه بتوانند، با ایجاد تفرقه و وحشت در روستائیان، و در غیر این صورت، با از بین بردن محصولات کشاورزی به انقلاب ضربه می زنند. آنها می دانند که هدف این انقلاب عظیم و دیر بازو زبیر پایتان خالی خواهد شد و با علم به این مسئله است که لحظه ای از توطئه باز نمی ایستند.

توابع ارمنستان، یکی از مناطقی است که بهمت روستائیان کم زمین و بی زمین و با یاری سپاه پاسداران و جهان سازندگی زمینهای بایر و زمینهای مالکین بسرعت در اختیار دهقانان قرار میگیرد و به همین نسبت ضد انقلاب نیز در آنجا از انواع وسایل برای جلوگیری از حرکات انقلابی و ضربه زدن به انقلاب استفاده میکند. یکی از این فئودالهای سر بجه هدایت است که حدود ۵۰۰ هکتار از زمینهایش در روستای سرآباد توسط

روستائیان تصاحب و کشت شده است. جدی بیست هکتار از روستا هستنفر از یاری خود را با جوب و چماق و اسلحه گرم برای سرکوب روستائیان انقلابی فرستاد. چاقداران در یک حمله غافلگیرانه عمده ای از روستائیان زحمتکش را بیدار کنند. گرفتند و در جریان این برخورد دهقانی بنام حشمت الله کشته شد و عده ای نیز مجروح شدند. بدینال این درگیری، روستائیان توابع ارمنستان به تعقیب هدایت الله روستا پرداختند و او را



مسکن دهقانان فارس را شایسته سکونت انسانی کنیم

گذری به روستا

به نیازهای دهقانان استون پاسخ گوئید

روستای گل استون در ۷۰ کیلومتری شیراز و در کنار جاده شیراز-پارسوج قرار دارد. در این روستا حدود ۲۵۰ خانوار زندگی میکنند که به طور متوسط هر خانوار چهار نفر است. روستا که پیشری، می بینی که در این روستا دونوع ساختمان وجود دارد. یک نوع خانه های هستند که نظیر سنگ و تیر آهن ساخته شده و نوع دیگر خانه سنی روستاهای ایران است که از گل و خشت درست شده اند. در خانه های نوع اول افراد متمول روستا (به ده مالکان بره) و در نوع دوم افراد نسبتاً (خرده مالکان کم زمین و خوش بختینان) سکونت دارند. از کنار این روستا لوله گاز و کابل برق می گذرد و ولی روستا از هر دو اینها محروم است. در سالهای حکومت طاغوت از طرف روستائیان نامه ای به شرکت گاز ارسال شد، که در آن

از اعضای آن، کارهای چندانی ندارد. از بهداشت ده جویبندیم: مدت یکسال است که مسئولین اداره بهداری ساختمان درمانگاه این روستا را تکمیل کرده اند، ولی هنوز از پزشک و وسایل درمانی خبری نیست (لازمه ی یادآوری است که خود روستائیان در ساختمان این درمانگاه مساعمت های فراوان کرده اند). آب آشامیدنی این روستا از چشمه ای که در سه کیلومتری روستا قرار دارد، و بر روی آن منبع نصب کرده اند و با کمک کانال گنی به روستا آورده اند. تا این می رسد. درباره آموزش ده پرسیدیم: در این روستا یک مدرسه وجود دارد، که در میدان روستا قرار گرفته است. در این مدرسه تا کلاس دوم راهنمایی تدریس می شود. با توجه تعداد نوجوانان که اکثریت اهالی را تشکیل میدهند، این مدرسه کانسوی روستا را از لحاظ آموزشی نمی کند و محدودیت آن تا دوم راهنمایی از کبوجهای دیگر آموزشی این روستاست. راه ارتباطی مسئله دیگری بود که روستائیان نظر مارا به آن جلب کردند: جاده شیراز - پارسوج از کنار این روستا می گذرد و با توجه به اینکه جاده ای است که دو شهر را به هم متصل میکند، بجز قسمت اول آن (تا روستای دوکومک) که اسفالت است، بقیه خاکی و بدون علائم راهنمایی است

دستگیر کردند و تحویل کمیته ارمنستان دادند. روستائیان توابع ارمنستان صبح روز شنبه ۳ خرداد بوسیله ۳ پیشی بوس به استانداری فارس مراجعه کردند و تظاهراتی برای انداختن و ضمن آن خواستار محاکمه هدایت الله روستا نیز تقسیم کلیه زمینهای هدایت الله روستا و مالکین بزرگ منطقه شدند. روستائیان در تلخ نامه خود تاکید کردند که اگر مسئولین به خواست مرحمتان توجه نکنند، رأساً دست به عمل انقلاب خواهند زد. در روستای طسوج از روستاهای کوار فارس نیز اخیراً ضد انقلاب دست به حادثه آفرینی زده است. دهقانان طسوج سالیهای متعادی زمین مالکین بزرگ آنجا را کشت کرده اند. اما این زمینها هر چه زودتر خاتمه یابد، زیرا کانونهای تشنج پسود ضد انقلاب است.

و در ضمن ساختمان آن از لحاظ فنی اصولی نیست. از وضع اقتصادی کلی پرس و جو کردیم و از چگونگی مالکیت بر اراضی زمینهای این روستا انرا دینماست (این زمینها در سال ۴۱ در اختیار روستائیان قرار گرفته است) و اکثر محصول این روستا گندم است. در ضمن چون زمینهای کوبه ای ایسن روستا و روستاهای اطراف این روستا را مناسب است، مرکزی نیز در این روستا رواج بسیار دارد. از ۲۵۰ خانواری که در این روستا زندگی میکنند، در حدود پنجاه خانوار خوشنشین هستند و بقیه خرده مالکند، که حدود ۱۱ خانوار از طریق کارهای ساختمانی (آماده کردن سنگ بساری ساختمان سازی و ...) امراض معاش می کنند. با یکی از این کارگران سنگ تراش صحبت می کنیم. او میگوید: (عدت سه سال است که به این کار اشتغال دارم و از اول صبح تا غروب افتاب کار میکنم و حدود شصت تومان درآمد دارم. ولی همیشه هشتم در گردنم است. همه چیز گران است. برای خرید روغن و بقیه چیزها باید تا دو برابر بهای اصلی را به واسطه ها بدهیم.)

بقیه خوش نشینان این روستا در روی زمینهای دیگر خرده مالکان کار میکنند و یا در کارخانه های اطراف به کارگری مشغولند. روستای گل استون یکی از آبادترین روستاهای استان فارس است. از امکانات مساعد جغرافیایی این روستا میتوان تا حد مکن برای ازدیاد تولید داخلی استفاده کرد. برای اینکه باید ابتدا زمین را به دهقانان زحمتکش داد و از هر نوع ستم طبقاتی در این روستا جلوگیری بعمل آورد. برای حل معضلات عمومی زحمتکشان از جمله مسئله گرانی، باید دولت با ایجاد فرستگاههای تعاونی مردمی، کالاهای ضروری دهقانان را در جهت منافع آنان و با قیمتی مناسب بپردازد. آنان تهیه کنند و در اختیار دهقانان قرار دهد. تنگ نظران و اختلافات خانوادگی و تیره ای موجب بدبختیها و عقب ماندگیهای بسیار میشود. دهقانان زحمتکش نفع مشترک با یکدیگر دارند و باید به نیروی اتحاد و همکاری بر دوشانرا پیوسته شوند. مقامات مسئول دولتی با تشکیل تعاونیها و تقویت حس همکاری می توانند خدمت بزرگی از این جهت به دهقانان بنمایند.

دهقانان نمی نویسند :

مسائل دهقانی

زارعین خیر آباد کربال احقاق حق می کنند

شورای انقلاب اسلامی ایران - تهران
محرماً با کمال ادب و احترام
میرسانیم، هفتاد و پنج نفر
زارع در روستای خیر آباد

کربال، حوضه پاسگاه
زارع امیری دودج، که از
دوره طاغوت مازار عین
آورده شده، و به هر دوری هم
کوبیدیم، کسی به داد ما

نرسید. تا هم اکنون که دولت
جمهوری اسلامی برقرار
شده، مدت پنج ماه است که
مامتضعان پناهنده، اسک
روحانی محل بنام شیخ
گلارضا درویش
که با کمک ایشان
مشول حاضر شده اند
زمین در اختیار ما
که مشول ذراعت

مشکلات ارضی و رفاهی

آذر شوم رژیم نحوس پهلوی بقدری
گسترده و وسیع است، که دست بهرجای
این کشور گذاشته میشود، مخروبه ای بیش
دیده نمیشود. در اکثر روستاها آب لوله کشی،
بری، جاده، مسکن و هیچیک از وسایل ابتدائی
و ساده زندگی وجود ندارد. توطئه ها و ظلم
ستم خوانین و ملاکین، نداشتن زمین برای
کشت، فقدان وسایل کار و تولید، بی نصیب
بودن از وامهای دولت و دهها مشکل بزرگ
و کوچک دیگر، واقعا کمردهقانان زحمتکش
راخم کرده است. اینها نتیجه سیاستهای
ضد مردمی و خائنانه برانداز رژیم کثیف
پهلوی بوده، و مسلماً همانطور که این مشکلات
ضمن یک ماه و دو ماه عارض نشدند، یکشنبه
هم حل نخواهد شد. اما راهی برنامه و تهیه
تدابیرات اجرای آن در درازمدت و متوسط.
المدت رخنه کردن توطئه های چور و چوگر
فئودالها و ملاکین و مخصوصاً با چار آوردن
قانون اصلاحات ارضی بسود دهقان کم زمین
و بی زمین، میتوان پارس دهقانان را به امید بدل
کند و انقلاب را از مداخلات نجات بخشند.

منطقه بیضاء در ۲۵ کیلومتری شیراز، با
جمعیت ۴۵ هزار نفر، در گردای از مشکلات
ارضی و رفاهی غوطه میخورد و فریاد مظلومانه
خود را با بانگی رسا بگوش مسئولین امر و
تبادلهای انقلاب میرساند. مشکلات این
منطقه همانند دیگر نقاط میان عزیزان
زیاد است، که فقط چند نمونه از آنها ذکر
میکرد:

۱- مشکل وام: بانک توسعه کشاورزی و موسسات وام
دهنده دیگر، در حالی که وامهای چند میلیون
در اختیار ملاکین میگذازند، برای یک وام
بیست هزار تومانی علاوه بر چند روز دویدن
دهقانان باین اداره و آن اداره، و قیبه ملکی
نیز طلب میکنند. دهقانان نمیتوانند با این
هزار تومان تراکتور و کسباین بخرند، بندر و
کود تهیه میکنند و بآخر رفت آمد بنسیر
برای دریافت وام بنمایند؛ دهقانی میگفت:
«دولت بجای اینکه از ما وثیقه ملکی
برای دریافت وام تقاضا کند، باید شورای

۲- مشکل برق: در زمان رژیم شاه مخلوق قرار
برق رسانی این منطقه از سال ۴۲ شروع
تا سال ۵۸ بیست و چهار پارچه آبادی را
بگیرد. شرکت مربوطه چند تیر بره
نقاط مختلف منطقه نصب کرده، ولی هیچ
کوششی در جهت کابل کشی و بر کاراند
چریان برق انجام نداد. انتظار زارعین،
از دولت، رفع سریع مشکل فوق است

۳- مشکل جاده: از حدود دوسال قبل قرار شد تنها
ماتین روی منطقه، ترمیم و آسفالت
قستی از جاده آماده اسفالت ریزی
اما شرکت جاده سازی بوجه جاده را
نیست چکار کرده والان دست از کار
و جاده نیمه کاره بحال خورده شده است
۴- بختداری: قبلاً این منطقه بعنوان یک بخش
شده بود و مرکز آن «ابراهیم آباد» بود
پلوریکه دهقانی می گفت:
«مختورها و فئودالها برای راحتی و آ
خود، مرکز بخش را از ۱۵۰ سال پیش
«سپیدان» انتقال دادند و بدینوسیله
مشکلات مردم افزودند. الان سبجه
عمومی منطقه معلوم نیست. برای
شناسنامه باید به هر دو دست یا شیراز
کنند. در دوره طاغوت نقشه سرک را
ولی بعداً بوجه عمران آنرا عمل
جغیومیل کردند و هیچگونه اقدام
مردم بعمل نیارودند.
دهقانان پیششاد میکنند که در منطقه
درامجده که منسل بهم هستند، یا
شوند تا مشکلات فوق بر طرف گردد
دهقانان طبق اولیاری که به استاد
فرمانداری نوشته اند خواستار
شناختن منطقه بیضاء بعنوان یک
شده اند، از اردبیت ماه طرح

اخبار دهقانی

به حسین آبادیها زمین بدهید

۱۲ نفر از کشاورزان حسین آباد خانقزینان
نزدیک شیراز می خواهند هر چه زودتر مسئولین امر
سنی برای ۱۲ هکتار زمینی که بر روی آن کشت
می کنند و متعلق به یک مالک است و زمینهای وسیعی
تحت تمک دارد، صادر کنند تا آنها بتوانند به این
وسیله وام کشاورزی دریافت کنند و برای زمین
تلمبه و چاه تدارک ببینند. این کشاورزان می گویند:
سابقاً مالک یک چهارم محصول را سهم می برده است
ولی نزدیک به دوسال است که کشاورزان از پرداخت
این سهم به سبک خودداری کرده اند

اهالی اثر به استانداری مراجعه و خواهان رسیدگی به وضع خویش شده اند

سبل اخیر جاده و قنوت را غیر قابل استفاده
کرده است. اهالی با پول خود مبلغ ۷۲ هزار تومان
جمع آوری کرده و تا حدودی جاده را مرمت کرده اند ولی
هنوز این تعمیرات کافی نیست. این روستائیان از
استانداردی فارس علاوه بر مرمت جاده و قنوت،
خواهان حمام و مدرسه نیز هستند.

باتشکیل
به مسئول

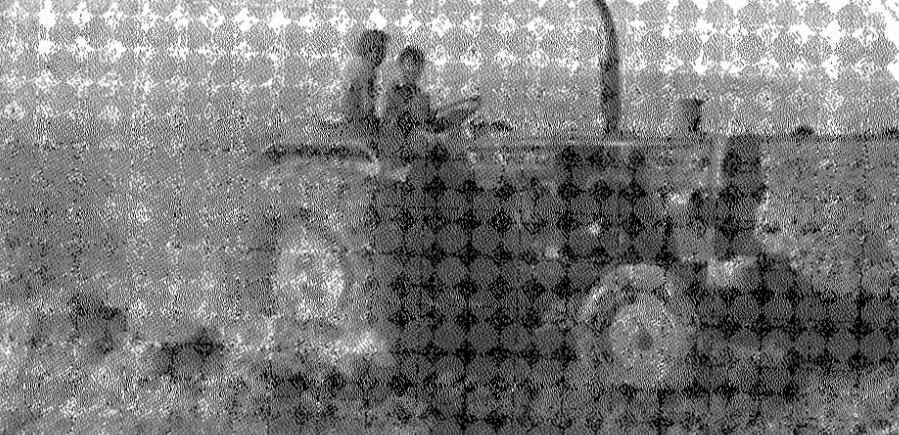
دهقانان کم زمین و بی زمین!

یکی از حربه‌های ضد انقلابی زمینداران بزرگ :

تفرقه اندازی مالکان بین زحمتکشانشان روستاها



افق آینده‌ای روشن را بروی کودکن دهقانان فارس بگشاییم



به دهقانان فارس زمین، آب و وسایل کشت بدهیم

منجر به مجروح شدن عده‌ای از دهقانان شد. عامل این درگیری و توطئه یکی از مالکان روستای زکریی است که به علت در خطر بودن منافع خود، با وارد کردن احتیاج به درون مزارع و تحریک دهقانان، زمینه‌ساز درگیری را بوجود می‌آورد.

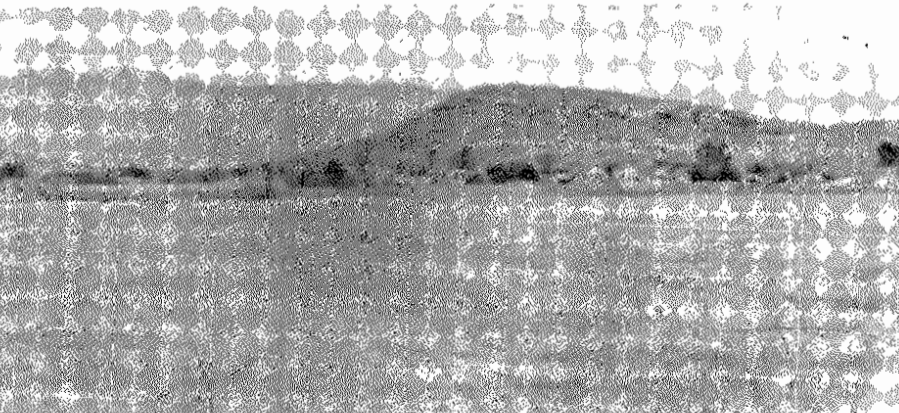
ایجاد تفرقه و درگیری شیوه‌ایست که مالکان بزرگ و ثروتمندان علیه خواست‌های دهقانان و علیه انقلاب برانگیخته‌اند. با سلب مالکیت از این مفلسه‌جویان، باید محیط تولید روستایی را به محیط اتحاد و برادری تبدیل کرد. دهقانان همبستگی باید برابروار دست‌دهقانان

منجر به مجروح شدن عده‌ای از دهقانان شد. عامل این درگیری و توطئه یکی از مالکان روستای زکریی است که به علت در خطر بودن منافع خود، با وارد کردن احتیاج به درون مزارع و تحریک دهقانان، زمینه‌ساز درگیری را بوجود می‌آورد.

ایجاد تفرقه و درگیری شیوه‌ایست که مالکان بزرگ و ثروتمندان علیه خواست‌های دهقانان و علیه انقلاب برانگیخته‌اند. با سلب مالکیت از این مفلسه‌جویان، باید محیط تولید روستایی را به محیط اتحاد و برادری تبدیل کرد. دهقانان همبستگی باید برابروار دست‌دهقانان

اختلافات تصنیعی خوش نشینان با خرده مالکان

همان کمبود زمین در این روستا و تحریکات عوامل مخرب است. متأسفانه نمونه‌های روزافزونی از درگیری و اختلاف بین اقشار دهقانی در روستاهای ایران دیده می‌شود. در اینگونه درگیریها دست‌های مرموز ضد انقلاب و فئودالها بوضوح دیده می‌شود. در حالیکه باید اولاً قاطعانه و با اتحاد به اجرای قانون اصلاحات ارضی مصوبه شورای انقلاب کمک شود. ثانیاً حاکمات فصل برداشت محصول است، از محصول باید به تمام قوا محافظت کرد. ضد -



روستای باباعلی - کازرون

روستای بری کل، در نزدیکی سد داریوش در استان فارس قرار دارد. امیر حسین خان فرغانی، یکی از مالکان این روستا، در سال ۱۳۵۰ حدود ۱۵۰ هکتار از زمینهای خود را به دهقانان فروخت و ۵۰۰ هکتار از مرغوبترین آنها را برای خرید نگه داشت، که بوسیله کارگران کشاورزی از آن‌ها استفاده می‌کرد. مالک دیگر این روستا ۷۰۰ هکتار زمین دارد، که هر سائیان خوش‌نسیب این روستا آن را از سال ۱۳۴۸ به این طرف کاشته‌اند و محصول رانده‌کارگی با مالک تقسیم کرده‌اند و تمام رسایل کشت از روستایان بوده و فقط زمین از مالک.

بعد از انقلاب، روستایان زمین‌های مذکور را کاشته‌اند. مالک روستا نیز به خارج گریه است. روستایان با شکایت مراجع مسئول می‌طلبند که حسن به آن‌ها داده شده، یعنی زمینها بخود آنها واگذار گردد و محصول را تماماً بپردازند، نه آنکه نصف را تماماً مالک نصیب کند.

از طرف دیگر زنان معمر، با دادن ۲۰۰ هکتار از این زمینها به یکی از خوانین، با سوی توطئه کرده‌اند تا زمینها به روستایان نرسد. امیر حسین خان درودی نیز حدود ۳۰۰ نفر از روستایان روستای خود را برای شلوکارگی به روستای بری کل آورده است، تا میان این دو دسته از زحمتکشانش تفرقه و درگیری بوجود آورد. فئولاروستایان بری کل نیز جلوی شلوکارگی را گرفته‌اند. تنها راه حل مسئله زمین در این روستا نیز واگذاری کلیه زمینها به دهقانان نیست است، که از یکسو به توان تولیدی در این روستا می‌افزاید و از سوی دیگر زمینها اقدامات توطئه‌آمیز مالکان بزرگ و ثروتمندان را خنثی می‌کند. دست‌بزرگ مالک باید کاملاً و قاطعانه، طبق قانونی که تصویب شده، و ولسی متأسفانه هنوز در اینجا اجرا نشده، کوتاه گردد.

اخیراً روستای امیرآباد تل بیضا، که در نزدیکی سروشد واقع است، شاهد درگیری بین دهقانان بی‌زمین و کم‌زمین با دهقانان خرده‌پا بود، که عوامل ضد انقلاب با تیغ سمی خانم بی‌حجابی را مجروح کردند.

عوامل ضد انقلاب روز ۲۲ خرداد به‌خاتم بی‌حجابی در خیابان مبارخیزان تهران حمله داشت. وی به‌کم‌کاری عناصر ظالمانه در دستگامهای اجرائی اشاره کرد و متذکر شد که این افراد سمی می‌کنند پلر و کود و روشن‌ناتی به‌موقع به دهقانان نرسد. ضمناً او به‌فقدان بانک کشاورزی در شهر خراسان اشاره کرد. نماینده کشاورزان خراسان درباره جاده‌های روستایی می‌گوید: «که به علت خرابی جاده‌ها، دهقانان نمی‌توانند به‌موقع محصولات خود را به‌شهر برسانند»

چهل نفر از خوش‌نشینان محمود آباد تقاضای ۳۰۰ هکتار از زمین‌های واقع در دامنه کوه‌ها، که متعلق به جنگلی است، به مسئولین امر ارائه داده‌اند. این زمینها برای کثرت و جرکاری مناسب نیست و تنها ۱۲ هکتار آن را میتوان به این مصرف رساند، و بقیه زمینها بیشتر برای ایجاد باغ مناسب‌تر است.

کندارد کارها مستضعفین درست‌شود، چون در همه ادارات دولتی پارتی‌زاد. تقاضا داریم دادما نظرومان را از این پنج نفر مخصوصاً سرمایه‌دار معسرف حاج نوروزعلی چنا بکاری گرفته تا به حق خودمان برسیم. از شما مقامات مسئول سؤال میشود اگر سازا رعین پناهنده یک روحانی نشویم،

پس به‌کی پناه ببریم که به حق خود رسیده باشیم. استدعای رسیدگی داریم. ۷۵ نفر دهقانان نیز این نامه، اثر انگشت گذاشته یا امضا کرده‌اند. این زحمتکشانش نیز مانند بسیاری از نیروهای فعال و زحمتکش روستایی خواهان برچیدن ساطل ظلم فئودالها سرمایه‌داران

مشکل دیگر منطقه، که بی‌ارتباط با توطئه فئودالها و خوانین نیست، تحریر کسب و کسب از قبایل عشایر کوچ‌گر است که دائم زراعت کشاورزان را می‌چرانند و تاکنون بیش از ۲۰۰ هکتار گندم منطقه بالکل نابود شده است، یکی از عشایر ترک می‌گفت: «اخیراً فئودالها و خوانین در فیروزآباد چله‌های نارنجی‌اند تا چند طایفه از عشایر را برای نابود کردن زراعت زارعین واژیت و آزار آنان بی‌سج کنند»

تاکنون زارعین چندین بار به پاسگاه زاندار می‌برای ممانعت از تهاجم خوانین عشایر رجوع کرده‌اند ولی پاسگاه می‌گوید: قدرت چلوگیری نداریم. دهقانان می‌رسند: «چرا وقتی نامه‌ای بطرفداری از مالک و علیه دهقانان پیستتان میرسد، بلافاصله زاندار می‌فرستید و دهقانان را سینه کرده به پاسگاه می‌آورید، اما در دفاع از کشاورزان قدرت ندارید!»

بیشتر دهقانانی که برای زراعت از شهر به ده بازگشته‌اند، دوباره دست‌برای خود را جمع کرده راهی شهر میشوند، زیرا آنها را حقت و آید می‌به محصول خود نداشتند. دهقانان حمرانه خراسان اجرای قانون اصلاحات ارضی مصوبه شورای انقلاب و تأمین نیازهای بحق کشاورزان و انقلاب هستند. فئودالی‌های بزرگی چون علی محمد ایزیدی (وزیر سابق کشاورزی دولت موقت بازرگان)، خانواده او، قوامی دیگر عناصر ضد دهقان، زندگی و هستی دهقانان را بیاد داده‌اند.

بزرگ مالکان و اعمال آنها در تمام توطئه‌های علیه کشاورزان و تهدیدها دخالت قائل دارند. دست آنها باید از این منطقه کوتاه کرد. دهقانی می‌گفت: «استادرضا اصفهانی، چشمان در راه اجرای این قانون سفید شد و هنوز هم در انتظار اجرای اصلاحات ارضی هستیم.»

بزرگ مالکان و اعمال آنها در تمام توطئه‌های علیه کشاورزان و تهدیدها دخالت قائل دارند. دست آنها باید از این منطقه کوتاه کرد. دهقانی می‌گفت: «استادرضا اصفهانی، چشمان در راه اجرای این قانون سفید شد و هنوز هم در انتظار اجرای اصلاحات ارضی هستیم.»

بیشتر دهقانانی که برای زراعت از شهر به ده بازگشته‌اند، دوباره دست‌برای خود را جمع کرده راهی شهر میشوند، زیرا آنها را حقت و آید می‌به محصول خود نداشتند. دهقانان حمرانه خراسان اجرای قانون اصلاحات ارضی مصوبه شورای انقلاب و تأمین نیازهای بحق کشاورزان و انقلاب هستند. فئودالی‌های بزرگی چون علی محمد ایزیدی (وزیر سابق کشاورزی دولت موقت بازرگان)، خانواده او، قوامی دیگر عناصر ضد دهقان، زندگی و هستی دهقانان را بیاد داده‌اند.

بزرگ مالکان و اعمال آنها در تمام توطئه‌های علیه کشاورزان و تهدیدها دخالت قائل دارند. دست آنها باید از این منطقه کوتاه کرد. دهقانی می‌گفت: «استادرضا اصفهانی، چشمان در راه اجرای این قانون سفید شد و هنوز هم در انتظار اجرای اصلاحات ارضی هستیم.»

بزرگ مالکان و اعمال آنها در تمام توطئه‌های علیه کشاورزان و تهدیدها دخالت قائل دارند. دست آنها باید از این منطقه کوتاه کرد. دهقانی می‌گفت: «استادرضا اصفهانی، چشمان در راه اجرای این قانون سفید شد و هنوز هم در انتظار اجرای اصلاحات ارضی هستیم.»

بزرگ مالکان و اعمال آنها در تمام توطئه‌های علیه کشاورزان و تهدیدها دخالت قائل دارند. دست آنها باید از این منطقه کوتاه کرد. دهقانی می‌گفت: «استادرضا اصفهانی، چشمان در راه اجرای این قانون سفید شد و هنوز هم در انتظار اجرای اصلاحات ارضی هستیم.»

بزرگ مالکان و اعمال آنها در تمام توطئه‌های علیه کشاورزان و تهدیدها دخالت قائل دارند. دست آنها باید از این منطقه کوتاه کرد. دهقانی می‌گفت: «استادرضا اصفهانی، چشمان در راه اجرای این قانون سفید شد و هنوز هم در انتظار اجرای اصلاحات ارضی هستیم.»

ی خود و با تکیه به پاسداران متعدد و افراد دلسوز جهاد سازندگی، کمک کنید، تا قانون اصلاحات ارضی سریعاً و بسود شما اجرا شود

در مطبوعات کشور

به کدامی رویم؟

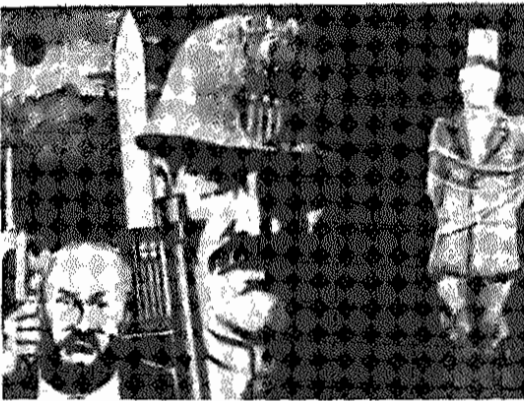
مگر در اسلام توانی برای آنچه که غرب در انجامش مجازات متحرکان نیست؟ چرا مواجبه با شکست شده، ممکن دولت اقدامی انجام ندهد؟ استعدادهای مشکلات داخلی خود هنوز هم نابرابری برجاست بخود بوجود آید. اغنیاء می‌خورند و فقیران می‌میرند (آزادگان، اول تیر)

قانون اصلاحات ارضی باید در جهت ریشه کن ساختن بزرگ مالکی و دادن زمین به کلیه دهقانان بی زمین و کم زمین، هر چه سریعتر و قاطعتر اجرا شود

ف.م. جوانشیر

تجربه ۲۸ مرداد

نظری به تاریخ جنبش ملی شدن نفت ایران



منتشر شد

ضد انقلاب آماده تهاجم است...

بقیه از صفحه ۱

عبله انقلاب ندارند، خطری است جدی. آید در این مصاحبه چنین فاش شد که «انها» با پالیزیان، گروههای بفره‌ای، اویسی و «ارتش آزادیبخش» در ارتباطند. این اظهارات بنویس خرد بیاتر فعالیت‌های عناصر ضد انقلاب در خارج از کشور در بوجود آوردن شبکه‌های ضد انقلابی در داخل از کشور است. و اینکه این شبکه‌ها، با ارتباط‌هایی که بین «انها» و پالیزیان و اویسی... وجود دارد و تحت‌تأثیر آنها، فعالیت‌های مخرب خود را به‌طور اجرا می‌گذارند.

۲- تکه سوم، ارتباط چنین شبکه‌های ضد انقلاب، با رژیم عراق و گرفتن اسلحه و مهمات از این رژیم است. همین تریب شبکه‌های ضد انقلابی با فعالیت خود با ارتباطی که از یکسو با اویسی و از سوی دیگر با رژیم بعثی عراق دارند، می‌توانند بنویس خود و در موقع لزوم فعالیت‌های وسیعی را علیه انقلاب دامن بزنند.

تکه آخر که در حقیقت تکه است اساسی گرمی، چنین می‌گوید که اولاً این گروه‌ها تحت رهبری عوامل ضد انقلاب از نوع پالیزیانها قرار دارند و ثانیاً آماده حمله به «رویم خمینی» اند.

کشف چنین شبکه ضد انقلابی، آنگاه در دوران ارتش و همچنین اظهارات متهمین به شرکت چنین توطئه‌های، بی‌اتر چندتکه اساسی و گرمی است.

اول آنکه: ضد انقلاب در حمایت خود متشکل بریا کردن شبکه‌های مخفی ضد انقلابی است. در حقیقت در همان روزهای نخست پیروزی انقلاب، امپریالیسم آمریکا به کمک اباید خود در خارج و داخل از کشور از نوع اویسی‌ها، بختیارها، علی‌ها دست به ایجاد شبکه‌های مخرب در داخل ایران زدند. در فرستادن متعصبان استفاده از چنین شبکه‌هایی، اهداف شوم و خائنانه‌اند از خودخواه، که همانا سرنگونی جمهوری اسلامی ایران است، به‌مورد اجرا گذارد.

دوم آنکه: بنا بر اعتراضات متهمین، این شبکه‌ها از سوی با بزرگ جلدان‌شاه مخلوق، همچون اویسی در ارتباط با اندوآزوسی دیگر در ارتباط مستقیم با رژیم بعثی عراق قرار دارند تا از این طریق اسلحه و مهمات خود را تأمین کنند.

آنچه مسلم است، این است که در ایران شبکه‌های فراوانی از این نوع متشکل فعالیتند و هر روز که می‌گذرد بر فعالیت‌های مخرب خود می‌افزایند.

در مقابل چنین فعالیت‌های مخرب ضد انقلاب چه باید کرد؟ ۱- باید با اقدامات عاجل، با شناسایی عناصر متشکل و ضد انقلابی و از طریق انتشار اسامی-سواکی، عمل باکساری را در تمامی ارگانهای لشکری و کشوری با قاطعیت انجام داد.

۲- باید با محافظت و حراست‌رزمها، از مبرور و مرور چنین عناصری در داخل و خارج از ایران جلوگیری به عمل آورد.

۳- دادگاههای انقلاب باید بر فعالیت‌های انقلابی خود در زمینه محاکمه عوامل ضد انقلاب بیازاید.

شوروت دفاع از دستاوردهای انقلاب حکم می‌کند که هر چه زودتر این اقدامات به‌مورد اجرا گذاشته شوند.

خاکستری شد و ازبید و مادرم اثری نماند. صعد محمده دهقان ساکن ده کولنگه، از شیرستان نالکاخ: این شورشیان کسی جز راجین و آدمکش نیستند. همه آنها یک هدف را دنبال میکنند و آنهم رجعت به گذشته است. اینها مدارس را به آتش میکشند و معلم‌ها و فعالین جنبش زنان و جوانان را تیرباران میکنند و با هر کسی که جرأت چپ نگاه کردن به دزنیهای اربابی، راداشته باشد، بیرحمانه تصفیه حساب میکنند.

۱. آبدروبول، در شماره ۱۶ ژانویه سال ۱۹۸۰ هفت نامه لیترا توریالیگاز تا گزی، بنی بدین مضمون انتشار داد:

شورشی افغانی میگوید: «ما اسیر نمیگیریم»

در ملاقات با پیروز گریا، یکی از سرکردگان شورشیان افغانی در نیویورک، من اینجایی کردم و دربارهم در قلمه عکس‌های ۱۱ ژانویه در روزنامه شیری «نیویورک پست» منتشر شده بود، جویا شدم. در این تصاویر سه نفر از احرار افغانی، مسلسل‌های خود را ربه پشت سر دهنه در مردی سلاح گذاشته‌اند. عکس یکی از جلدانان دیگر نیز در نیویورک تایمز، در لحظه چاپ شده بود که تیر-خوردگانی را که جلوی پایش بر خاک افتاده بودند، به رگبار می‌برد. زیر نویس هر دو تصویر با خوانندگی از تیرباران آموزشگران دستان دهکده فرح در نزدیکی شیر قندهار خبر میداد.

من به پیروز گریا یادآور شدم: هواداران شما در افغانستان از خبر تیرباران نیویورک تایمز دعوت کردند که ۱۶ جسد تیرباران شده را متانها کنند. قاتلین به خبرنگاران بپروچها، بزبان رستایی هم سوایاردیدند، شکار می‌کنند. همدستان شما به روزنامه نگاران آمریکایی گفته‌اند که بدون استئانه همه اسرا را میکشند و قبل از اعدام دست و گوش و بینی آنها را می‌برند و پوستشان را می‌کشند و بیچه‌ها را در برابر چشمان پدر و مادر آقندر شکنجه میدهند تا بمیرند. آیا این مطالب صحیح است؟

زگربا شرحه جواب میداد: «بله، ما اسیر نمیگیریم، بلکه ما آموزشگران لاجر را میکشیم و بیچکس رحم نخواهیم کرده»

محمد جمعه، ساکن قصبه مصل، از شیرستان هیرمند: احرار نه تنها مدرسه‌ها را به آتش کشیدند، بلکه معلم آنها هم قتل رساندند. او آدم خوب و سربانی بود، و یکنه معلم مدرسه‌ای بود که پس از انقلاب تور گشوده شده بود.

عیسی داد محمد ساکن همان قصبه: این چارواکیه سیما انسانها را از دست داده‌اند، ادعا میکنند که اعمال آنها گویا به اراده خدایت که ما را بخاطر گناهانمان عفویت خواهد کرد. ولی خدای تبارک و تعالی خود آنانرا بسزایانی رسانید، آنها توسط نیروهای ارتش خلفی نابود یا اسیر شدند. پیروز شکاری از کتیا: من بطرز مجزیه آسانی در کمیناری که در ده ما راه انداخته بودند، زنده ماندم. احرار همان هنگام غروب آفتاب از کوهها سرزیر شدند، دروا محاصره و غارت کردند، سپس دهقانان را بکنار چاره زانیدند و با مسلسل‌های خود کار آنها را درو کردند. در موقع ترک ده روی منازل بنزین پاشیدند و به آتش کشیدند. خانه من تل

حقایق درباره افغانستان (اسناد، واقعات و شواهد)

شورشی افغانی میگوید: ما اسیر نمیگیریم!

او میگوید: آمریکایی‌ها و چینی‌ها هم همین من بودند. همانها هم در اردوگاه‌ها که ما تعلیم میدادیم، قبل از عبور دادن ما از مرز، به ما پول واسلحه دادند.

در پاکه‌ها شما چند نفر تعلیم میدادند؟ چه کسی رسماً سمت ریاست داشت؟ نام عبدالله با سرعت دیدن لکت زبان جواب میداد:

مجموعه‌ای در اردوگاه‌ها کاره بود. یکبار صورت جیره بگیران را دیدم. مجموعاً صد نفر بودند.

گواهی گواهان

محمد جمعه، ساکن قصبه مصل، از شیرستان هیرمند: احرار نه تنها مدرسه‌ها را به آتش کشیدند، بلکه معلم آنها هم قتل رساندند. او آدم خوب و سربانی بود، و یکنه معلم مدرسه‌ای بود که پس از انقلاب تور گشوده شده بود.

عیسی داد محمد ساکن همان قصبه: این چارواکیه سیما انسانها را از دست داده‌اند، ادعا میکنند که اعمال آنها گویا به اراده خدایت که ما را بخاطر گناهانمان عفویت خواهد کرد. ولی خدای تبارک و تعالی خود آنانرا بسزایانی رسانید، آنها توسط نیروهای ارتش خلفی نابود یا اسیر شدند.

پیروز شکاری از کتیا: من بطرز مجزیه آسانی در کمیناری که در ده ما راه انداخته بودند، زنده ماندم. احرار همان هنگام غروب آفتاب از کوهها سرزیر شدند، دروا محاصره و غارت کردند، سپس دهقانان را بکنار چاره زانیدند و با مسلسل‌های خود کار آنها را درو کردند. در موقع ترک ده روی منازل بنزین پاشیدند و به آتش کشیدند. خانه من تل

حزب کمونیست ایران در چه شرایط تاریخی تشکیل شد

بقیه از صفحه ۳

سرمایه‌داری نورسته ایران، گرچه باکسادی بسیار، ولی در هر حال رشد میکرد. طبقه کارگر ایران اولین مراحل تکوین خود را طی می‌کرد.

یکی، جریان اجتماعی - اقتصادی برتری نسبت به بخش دوم و دومی روند اجتماعی - اقتصادی وابسته به بخش اول بود.

هر دو این نیروهای نوخاسته، با هم در مقابل دو نیروی اجتماعی - اقتصادی دیگر قرار گرفته بودند: نظام کهنه ارباب رعیتی با سلطنت مطلقه آن از درون کشور و نفوذ روزافزون سرمایه انحصاری با سیاست استعماری امپریالیستی آن از بیرون.

مبارزه رفته رفته شکل میگرفت و رشد میکرد. دموکراتیسم انقلابی، که بیان‌کننده اندیشه‌ها، آمال و آرزوی بخش یکم بود (با چهره‌هایی نظیر زین‌العابدین مراغهای، عبدالرحیم نجارزاده تیریزی، میرزا عبدالحسین آقاخان کرمانی، ملک‌المتکلمین، میرزا جهانبگیر خان شیرازی و دیگران) رفته رفته شکل میگرفت.

بر همین زمینه فکری، نخستین گفتگوهای پراوین اندیشه‌های سوسیالیستی آغاز شده بود. اما جریان فکری - سیاسی دموکراتیسم با انقلابی از جریان دیگر (دموکراتیسم لیبرال) که بیانگر نیات محافظ واقعین و وطن‌پرست نزدیک به محافظ‌حاکمه بود (با چهره‌هایی نظیر میرزا ملک‌خان (نظام‌الدوله) میرزا یوسف خان (مستشارالدوله) و دیگران) هنوز جدا نشده بود - امری که بعداً در جریان انقلاب مشروطیت صورت گرفت.

اسلام جانبدار خلق، هوادار ملت و مخالف نفوذ امپریالیسم (با چهره‌هایی نظیر میرزا شیرازی، جمال‌الدین اسدآبادی، شیخ‌حمروچی، ملک‌المتکلمین، طباطبائی، بهبهانی و دیگران) بانها همراه بود.

این جریان فکری - سیاسی، متشکل از چهار جزء اصلی با هم در مقابل جریان دیگری قرار داشت که بیانگر اندیشه و سیاست دو نیروی مخالف فوق‌الذکر بودند: ۱ - نیروی متحد حاکمیت دنیوی (در رأس آن شاه خودکامه) و حاکمیت معنوی (نماینده آن امام جمعه تهران خوشاوند شاه)

گرانی روزافزون هزینه زندگی بر دوش زحمتکشان سنگینی می‌کند. زحمتکشان را باید با تصمیمات فوری و قاطع انقلابی از زیر این بار نجات داد

وزارت راه و ترابری : عملیات اجرایی جاده الموت بزودی شروع می شود

به دنبال طرح مطلب ماهی رودبار الموت خواهان ساختمان جاده الموت هستند. در شماره ۱۳۱ نامه مردم، دفتر اطلاعات و روابط عمومی وزارت راه و ترابری طی نامه ای توضیح زیر را داده است.
دفعه اول راه ممل کلابه به شهرک ایوانک با پیمانکار مالدو بزودی عملیات اجرایی راه مذکور وسیله پیمانکار شروع خواهد شد.

کمک مالی به حزب توده ایران یک وظیفه انقلابی است

کسوف وارید ۵۰۰ ریال هواداران حزب توده ۶۰۰۰

کمک مالی را می توان مستقیماً به دفتر حزب داد و یا با تلنگرهای ۹۳۵۷۲۸ - ۹۳۳۴۵۹ - ۹۳۳۴۵۹ را اعلام داشت. از طرف دفتر حزب ترتیب دریافت کمک داده خواهد شد. علاوه بر این، علاقمندان میتوانند کمک مالی خود را حساب بانکی به نام تقی کی منشی و به شماره ۳۲۲۳۳۸ شبا ۴۱۸ بانک ملی ایران (شعبه شاه اسماعیل صفوی)، خیابان شهید دکتر حسین فاطمی بپردازند. از کمک کنندگان خواهشمندیم فتوکی فین بانکی را برای ارسال دارند.

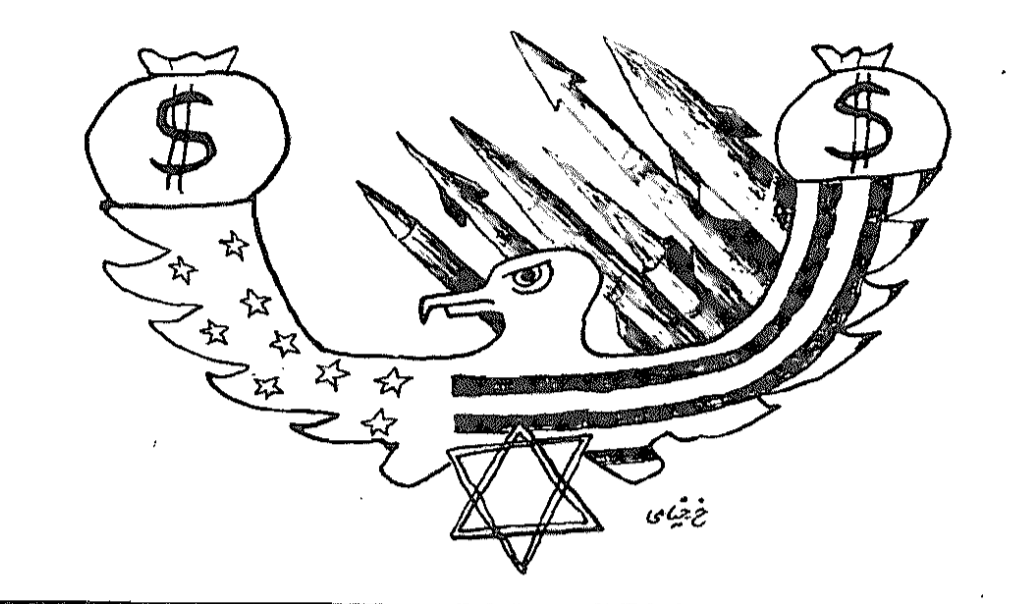
قابل توجه رفقا و دوستان گزارشگر نامه مردم

تقاضا می کنیم برای تهیه عکس از محیط های روستایی حتی لامکان از حلقه های فیلم ۱۷ تایی استفاده کنند و یا تعداد عکس های استفاده شده را در هر فیلم ذکر کنند. تا بدین طریق خود فیلم که اغلب بیش از نیمی از آن مورد استفاده قرار نگیرد. فقط با چند عکس هدر نرود و از هزینه ظهور فیلم کاسته شود. اگر امکان دارید عکس بفرستید. که آسانتر است.

نامه مردم آرگان مرکزی حزب توده ایران
دارنده امتیاز و مدیر مسئول: منوچهر یزادی
خیابان ۱۶ آذر شماره ۶۸
تلنگر، ۹۳۳۴۵۹ - ۹۳۵۷۲۸
شماره تلکس: 214081 TPI IR
چاپ، گویان
MARDOM
No. 285
23 June 1980
Price: West - Germany 0.80 DM, France 2 fr., Austria 8 Sch., England 20 P., Belgium 10 fr., Italy 350 L., USA 50 Cts., Sweden 1.50 kr.

غارت اموال دفتر سازمان جوانان و دانشجویان دمکرات ایران در شیراز

عناصر مشکوک به دفتر سازمان جوانان و دانشجویان دمکرات ایران در شیراز حمله کردند و اموال آن راه غارت بردند. مقارن ساعت ۲ بعد از ظهر روز جمعه ۳۰ خرداد ماه، عناصر مشکوک به دفتر سازمان جوانان و دانشجویان دمکرات ایران در شیراز حمله کردند و به این عملیات در ورودی، اموال دفتر از قبیل کتب و نشریات، ماشین پلی کپی، وسایل عکسی، دستگاه اسلاید، موکت کف دفتر، ماشین تحریر و دیگر لوازم را به غارت بردند. آنها بقیه لوازمی را که به علت تنگی وقت نتوانستند با خود ببرند،



سازمان چریکهای فدائی خلق ایران - شاخه کردستان، زندانیان خود را آزاد میکند

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران - شاخه کردستان طی روزهای گذشته عده ای از زندانیان خود را از نظامی و پاسدار آزاد کرده است. این سازمان طی روزهای سه شنبه و یکم خرداد ماه به ترتیب ۲۶ و ۱۷ نفر نظامی و پاسدار را که در اسارت خود داشت، آزاد کرده و آنها را به یادگان ریاستداریخانه سپارد تحویل داده است. قرار بود که اول تیر ماه نیز ۱۹ نفر دیگر توسط این سازمان آزاد شوند.

موضع سازمان چریکهای فدائی خلق - مهیاد در باره اعلام نظریات و مواضع بخشی از کادر رهبری حزب دمکرات کردستان ایران

برای ما هیچگونه وابستگی به پم و رابطه با اعمال امپریالیسم، نه تنها قابل پذیرش نیست، بلکه شدیداً با چنین روابطی مبارزه خواهیم کرد
سازمان چریکهای فدائی خلق مهیاد، در خبر شماره ۲۵، ضمن اعلام جدائی بخشی از کادر رهبری حزب دمکرات کردستان ایران می نویسد:
«امضاء کنندگان این بیانیه (بیانیه اعلام نظریات، مواضع بخشی از کادر رهبری حزب دمکرات کردستان ایران)، طلق جدائی خود را از رهبری کنونی حزب، نداشتن تحلیل صحیح رهبری از انقلاب ایران، دنیا لردی از گرایش ناسیونالیستی، بدون در نظر گرفتن مصالح و منافع مبارزات ضد امپریالیستی - دمکراتیک مردم ایران، از دست دادن فرصت های مناسب جهت برقراری صلح در کردستان و دامن زدن به جنگ برادر کشی، نفوذ نیروهای ضد انقلاب

تشکیلات سقز حزب دمکرات ...

بیتیه از صفحه ۱
از آغاز درگیریهای اخیر در سقز، علیرغم تبلیغات شوم و جنگ افروزیهای گروهکهای افشار طلب، مسئولین حزب در سقز تمام جدیت و سعی خود را برای خاتمه دادن به درگیریها و جلوگیری از آوارگی و خانه خرابی مردم بکار بردند. لیکن رهبری حزب با موضع گیری نادرست و تحریک عناصر منحرف، درگیریها را تشدید و عملاً نیروهای حزب را هم در کنار نیروهای جنگ افروز قرار داد. هرگاه موضع صحیحی از جانب تشکیلات سقز اتخاذ میشد، با بلندگو در خیابان یا در میتینگ در صدد ختنی نمودن آن بر می آمدند.

در اجتماع مردم آواره سقز، در مسجد بازار یوکان، روز ۱۵ اردیبهشت، موضع درست و منطقی حزب دمکرات کردستان ایران بوسیله تشکیلات سقز اعلام گردید که با پشتیبانی بی دریغ مردم دوبرو گردید و قلمنامه ای که حاوی نظرات و خواسته های عادلانه، حق خواهانه و صلح طلبانه مردم بود، صادر شد. اما روز بعد، یکی از افراد غیر مسئول حزب، بدستور رهبری حزب، درست در خلاف آن جهت موضع گیری نمود و افکار انحرافی خود را اعلام کرد و درست یک هفته پس از آن، در تاریخ ۲۲/۲/۵۹ در اجتماع، دوفتر از اعضای کادر رهبری حزب، با تأیید مواضع مشخص مذکور، و در مخالفت با موضع گیری مسئولین، تشکیلات سقز را به تکراری تباه نمودند. جالبتر از همه اینکه، بخش منحرف کادر رهبری بر تحریکات جنگ افروزان آن کونفرضا، مبر تأیید گذاشته و در تاریخ ۲۹/۳/۵۹، طی اعلامیه ای، تشکیلات حزب را در سقز منحل اعلام می نمایند. خیالی می کنند که با چنین اعمالی، دست به تصفیه مخالفین سیاسی خود بزنند و هرگونه سد و مانعی را از پیش پای خود بر می آورند، تا بتوانند با بازی گرفتن سروشت خلق کرد، به اهداف جاه طلبانه و ماجراجویانه خود دست یابند و نیروهای مبارز خلق کرد را به ملیحه دست بیگانگان و بیگانه پرستان تبدیل نمایند.

شوخی نیست ... کمدی موزیکال «خود کشی» در یک پرده!

نام نمایش: خودکشی از شدت ناراحتی!
کارگردان: رویز
محل کارگردانی: اسلام آباد
محل رویاد ماجرا: کاخ بزرگ کارمل
نویسنده: منابع دیپلماتیک غرب، خبرگزاری فرانسه، منابع دیپلماتیک در هندوستان
بازیگران: اکثر رسانه های گروهی و مطبوعات ایران

روس ها، که تا زمان نوشتن این نمایشنامه از بزرگ کارمل حمایت می کردند: «رییس جمهور ۵۳ ساله افغانی که با حسابت روسها بر تخت قدرت تکیه زده است» (کیهان - ۲۸ خرداد) از اینکه بخاطر او مجبور شده اند (!) افغانستان را با خاک یکسان کنند (!) خودشان هزاران کشته بدهند (!) و نیمی از ارتش سرخ را بر باد فنا بدهند (!) در اواسط نوشتن این نمایشنامه، ناگهان ناراحت شدند و شروع به دخالت روزافزون شوروی در افغانستان (کیهان - ۲۸ خرداد) کردند و بعد هم «شتر ریش از اندازه» (همنجا) به بزرگ کارمل آوردند، و چون دشمنی آنها بدجویی گل کرده بود، به «کنترل بزرگ کارمل از جانب روسیه» (همنجا) پرداختند. و بالاخره هم کاری کردند که: «وی بصورت یک زندانی گرمین در کاخ خود پسر می برد» (کیهان - ۲۸ خرداد) روسیه برای اینکه حسابی از بزرگ کارمل انتقام بگیرند، کاری کردند که: «مخالفین، آشپز و راننده وی همگی روس هستند» (کیهان - ۲۸ خرداد)

(این آشپز یادگان باشد چون قرار است، نقش جوان اول نمایش را بازی کند، فراموش نکنید ایشان آشپز هستند)
بله «روسیه» به مراقبت «زندانی» ادا داده، بطوریکه «اوستی اجازه ندارد بدون مشاور روسی خود کاخ را ترک گوید و حتی اجازه شرکت در مهمانیهای دولت و یا حضور در رادیو و تلویزیون را بطور آزاد ندارد.» (کیهان - ۲۸ خرداد)

این روسیه با بدجنسی تمام کاری کرده اند که «زندانی» در مهمانیهای دولت و رادیو و تلویزیون هم شرکت می کند، اما نه «بطور آزاد»!

اما ملاقات با رهبران مسلمان ۹ استان برایش آزاد است: در همان روز کارمل با رهبران مسلمانان ۹ استان ملاقات کرده بوده (کیهان - ۲۸ خرداد) و درست بخاطر همین فشارهای روانی است که بزرگ کارمل اقدام به خودکشی می کند، اما چون هیچ رسپله ای در دسترس نداشته، به آشپزخانه کاخ می رود و آنجا سلاح خود را بیرون می آورد و تا می خواهد خودکشی کند، سرآشپز روسی (این همان آشپز است که در این جای خبر درجه گرفته و سرآشپز شده است) جلو می رود و او را خلع سلاح می کند! (منابع دیپلماتیک غرب، خبرگزاری فرانسه و منابع دیپلماتیک هندوستان، که با اینکه همه مخالفین، آشپز و راننده بزرگ کارمل روسی که با اینکه همه مخالفین، آشپز و راننده بزرگ کارمل خلع سلاح کرده، روسی بوده و به او مطلع شده اند که در آشپزخانه کاخ بزرگ کارمل چه میگذشت، هنوز قشربند کرده اند که این اخبار را از آشپز (یعنی سرآشپز) روسی کسب کرده اند یا از خود بزرگ کارمل) در اینجا «منابع مطلع» وارد گود میشوند و بقیه ماجرا را تعریف میکنند: «در این گوشه برای خودکشی یک سرپاز افغانی کشته شد و دو نفر از مخالفین وی نیز مجروح شدند» (کیهان - ۲۸ خرداد)

از آنجا که همه مخالفین بزرگ کارمل روسی هستند، این سرپاز افغانی باین خاطر کشته شد که با وارد کردن خودش باعث شده بود، همه سناریو بهم بخورد و پته نویسنده و کارگردان روی آب بیفتند.

از پشتیبانان «مبارزان» افغانی
«مصر بعنوان بخشی از معامله تسلیحاتی ۱٫۵ میلیارد دلاری که سال گذشته با آمریکا منعقد کرد، ۳۵ جنگنده فانتوم دریافت داشت و اکنون ادا کرده پایگاه نظامی آمریکا برای آموزش دادن به خلبانان مصری می باشد.» (کیهان - ۲۷ خرداد) «این تسهیلات به اعطای کمال حسن علی وزیر امور خارجه مصر برای حمایت از کشورهای حوزه خلیج فارس و نیز نجات گروگانهای آمریکایی در اختیار ایالات متحده قرار گرفته است.» (همنجا)

یادگان هست که مصر هم از پشتیبانان «مبارزان» افغانی است و به آنها پول و اسلحه میدهد!
نفع کارتر
چهره آقای رمزی کلارک نماینده آمریکا در کنفرانس بین المللی مذاکلات آمریکا، که مورد حمایت و تأیید یکی از مقامات «امور خارجه» ایران قرار داشت و دارد، روزیروزشمنش و روشنتر میشود. اخیراً بعضی از مقامات آمریکایی میخواستند کرده و راجع به آقای کلارک و مأموریت او مطالبی را بیان کرده اند. از جمله آندرویانک، نماینده سابق آمریکا در سازمان ملل دیروز گفت: «سفر رمزی کلارک به تهران به نفع کارتر است» (اطلاعات، ۲۷ خرداد)

بدون شرح
دولت پاکستان تصمیم گرفته است برای هشتصد هزار آواره افغانی در پاکستان پناهگاههای دهکده مانند ایجاد کند. (صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران، ۳۰ خرداد) کمیته آوارگان افغانی که متر آن در لندن است، اعلام کرد شمار آوارگان افغانی در پاکستان به یک میلیون نفر رسیده است. (صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران، ۳۱ خرداد) - ظاهراً تبلیغات دروغ، حساب ساده را هم از یاد آقایان برده است، وگرنه در عرض یکروز ۲۰۰ هزار نفر به آوارگان افغانی اضافه نمی کردند.